

حریان نختین جلد

ساعت نه و پنج دقیقه بامه ادر در یکشنبه یازدهم مهرماه هزار و سیصد و چهل
و چهار، نختین جلد دادگاه عادی شماره ۶۰۰ آرتش بریاست سرهنگ
ستاد آریانزاد و کارخنده کی سرهنگ ایرادانی و سرهنگ شهریارپور و
کارخنده کی علی البهل سرهنگ نوزخش و دادستانی سرهنگ ستادطلائی
رسمیت یافت.

نخت صورت جلد بوسیله منشی خوانده شد پس رئیس دادگاه بهریت
ریاست مهران را پرسید و بعد بمنشی دستور داد ماده ۱۹۴ و ۱۹۵
قانون داریسی و کیفی آرتش را بخواند.

در ساعت نه و ده دقیقه تیمار سرتیپ سالم وکیل آقای فردر شروع به
ملحن نمود و به نبودن هیئت منصفه و نقض برونه ایراد گرفت و در
ساعت نه و یک چهارم سرکار سرهنگ بهره در وکیل آقایان فردر و نمازی
آغاز صحبت کرد و در هفتم به ۲ حضور هیئت منصفه و نقض برونه ایراد
نمود. در ساعت نه و بیست و پنج دقیقه سرکار سرهنگ معتمد وکیل آقای
احمدی با اشاره بگفتار در وکیل دیگر نوزاد حضور هیئت منصفه را یاد آور
شد.

در ساعت نه و نیم آقای فردر گفتار خود را آغاز نمود. در ساعت ده
و چهارم سخنان ایشان پایان یافت و رئیس دادگاه گفت سرکار
دادستان به گفته های آقای فردر در مورد ایراد عدم صلاحیت و

و نفوس پرورنده و سرور زمان پانچ خواجند دادگاہ عالی است
و حضور تماشاچی بلا مانع می باشد، تا این لحظه کسی برای حضور مراجعه نموده
است و در صورت مراجعہ اجازه ورود آنان بدین است داده خواهد
شد و پس اعلام ده دقیقه تنفس کرد.

در تنفس تیمار سالم و سرخنگ بهره وری آقای فردی ترکیب گفته
و در استان نیز ایشان گفت «استفاده کرد ۲۰، بسیار خوب و منطقی
بود، من بجم و طبیعت قدری صحبت خواهم کرد».

ساعت ده و پنجاه و پنج دقیقه جلہ دادگاہ بار دیگر بازنگر رئیس سمیت
یافت و آقای نمازی شروع به صحبت کرد. در ساعت یازده و بیست و
پنج دقیقه سخنان ایشان پایان یافت.

بعد آقای احمدی به صحبت پرداخت و گویند که در بار وجود آنکه
بازیرس قرار منع تعقیب ادرار داده است چرا باز باید لایز خواست
در باره اش صادر شود.

جلہ دادگاہ در ساعت یازده و نیم به عنوان تنفس پایان یافت
و جلہ بعدی به روز سه شنبه ساعت بیست و نیم با امداد افتاد.

سازاپیش آن روز که بادی آکنده از مهر ایران در برابر کتاب آسمانی و
 درفش ملی زانو بر زمین زده پیمان سپرد آ در راه آزادی و آبادی
 میهنم تا پای جان بگو شدم هرگز گمان نمی بردم روزی فرایسد که باین کوششها
 رنگ بزه زنند و به ادا گاه هم نشاندند.

اکنون هم از خدای بزرگ میجوایم هم بمن توانائی دهد که در گردوار
 این دادرسی نابجا زیان خود را ناچیز بگیرم و در گرفتار دگر دارم جز سود
 و بزرگی ایران بخیزم.

من و دل گرفتارنا شوم چه باک غرض اندر میان سلامت است

از آنجا که در این دارگاه میچکس بعنوان تماشاگر یا خبرنگار روزنامه
 دیده میشود جا دارد پیش از هر چیز بگو تا همی در پیرامون لزوم اعلانی
 بودن چنین دادگاهی سخن بگویم.

یکی از تضمینهای برجسته ای که برای درستی گردش کار هر دادرسی در نظر
 گرفته شده اعلانی بودن است چنانکه ماده ده اعلامیه جهانی حقوق بشر آنرا
 حق سلب نشدنی هر فرد انسانی مینماید.

در ایران اصل هفتاد و ششم متمم قانون اساسی میگوید «الاعتقاد کلیه
 محاکمات اعلانی است مگر آنکه اعلانی بودن آن محل نظم یا امنیتی عصبانیت
 در این صورت لزوم اخفای آنرا حکم اعلان مینماید».

قانون آئین دادرسی کیفری هم در مورد های گوناگون عملی بودن همه دادگاهها را پیش بینی کرده و قانون دادرسی کیفری آرتش که پایه کار این دادگاه است نیز در ماده صد و نود و دو و سی و یکم به جلسات دیوان حرب عملی است مگر در مواردی که عملی بودن آن مخالف انتظامات یا مصالح کشور یا منافی اخلاق باشد که در این صورت دادستان درخواست سری بودن دادرسی را خواهد نمود در این صورت دیوان حرب ترا سری بودن دادرسی را صادر می نماید و در پایان دادرسی حکم دادگاه فقط برای دادستان و متهم و وکیل به ارفع قرائت خواهد شد.

ناگفته نماند که اصل بنفاد و محقق متمم قانون اساسی در مورد عملی بودن دادگاه به حکم رسیدگی به بزه های سیاسی یا فشاری بیشتری دارد و سری کردن آنرا به با اتفاق آراء جمیع اعضا به پیدانند.

عملی بودن دادگاه از لحاظ ریه قضائی نیز دارای چنان اهمیتی میباشد که هیئت عمومی دیوان کشور در رای شماره ۱۰۷۱ - ۵۷۲/۳ خود به حسب منطبق از اصول دقواعه کلی در عدد ۲ اجرای محاکم عملی یا سری در مورد معترض را از راه امر است مهمه که خلای بر ارکان حکام دارد میسرند و موجب نقض آن میگردد دانسته است. عملی بودن دادگاه یعنی اینکه مردم بتوانند آزادانه در جبهه های آن شرکت کنند و در زمانه با بتوانند جریان آنرا بشنوند.

چیز منافی اخلاق یا مخالف انتظامات و مصالح کشور در بر دهنده کنونی است

که دادگاه باید در یک اطاق در بسته و بدون حضور تماشاچی و خبرنگار
تشکیل شود.

همین روز نامه‌ها و بیفته نامه‌های کشور که سابقاً سازمان امنیت و وزارت
اطلاعات بر همه آنها فرمانفرماست بارها نوشته‌اند که در بعضی از کشور برای
بیگانه در باره رفتارهای بازنه‌انین سیاسی و غیر قانونی بودن طرز کار دادگاهها
در ایران گفتگو می‌شود.

آیا بهترینت اجازه داده شود دادگاهها شکیله به بزه سیاسی رسیدگی میکنند
تعمام معنی کلمه عملی باشند و خبرنگاران داخلی و خارجی در آن شرکت کنند
تا حقیقت وجود و عدم قانون شکنی در ایران بر همگان روشن شود.

مگر نه اینست که در این دادگاه بخشی از کارهای جبهه ملی و حزب ملت ایران را
به ادرسی کشیده‌اید پس اجازه دهید جریان آن بگوش مردم برسد تا
درستی و نادرستی کارهای این دو سازمان سیاسی برای آنها آشکار شود.

مگر نه اینست که در اینجا یک وکیل دادگتری را پشت میز دادری
قرار داده‌اید پس بگذارید صد بار همکاران در سراسر کشور بفهمند
چگونه یکی از آنها سوگندی را که برای احترام بحق و قانون خورده
زیر پا گذاشته و بجای دست زده که از نظر دادستان آرش
جرم تلقی شده است.

در آغاز گفتار خود پیرامون عدم صلاحیت دادگاههای آرتشی برای رسیدگی
به بزه های سیاسی که بزه نسبت داده شده در بردنزه مورد رسیدگی این دادگاه
نیز یکی از آنهاست جا دارد اندکی درباره ضربه سهمگینی که وجود گسترش
دامنه صلاحیت دادگاههای اختصاصی بر پیکر دستگاه قضائی کشور دارد
میان سخن بگویم.

در جهان امروز گسترش مرزهای دانش بشر به انجام رسیده است
که استواری بر اجتماع و بهتر زبانی و اهلکاران آزاد را در بکار بردن
اصول عامی تخصص و تقسیم کار میبندد.
مقام قضائی را نیز در میان ملتهای گوناگون بصورت پیشه ای بزرگ
که دارندگان آن باید نمونه بی غرضی و آرزوگی باشد جلوه داشته است.
در چند قرن گذشته که اندیشه های آزاد بخوانند بر زندگی ملتهای پرتوانی
شده و شناسائی حیثیت ذاتی بشر بصورت یک رشته آزادیهای فردی و اجتماع
نمایان گردیده دستگاه قضائی بعنوان پائیندان استواری این آزادیها
نقش برجسته ای یافت.

آنگاه نیرومند ساختن دستگاه قضائی پرتوهای دامنه داری را
در بردارست که روز بروز بر ابروی کار دادرسی و بر شماره دانشهای
راهنمای دادرسی افزود.

اگر در گذشته موضوع بزه تنها در پهنه اخلاق و حقوق قرار داشت اکنون

به قلمرو زیست‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی راه یافته است.
یک داور سگفته از سالها دانش اندوزی و کار روزی باید در چنان وضعی
ترا گیرد که از هر گونه بیم و امید به دور باشد.

در بیشتر کشورهای جهان در بر آرد در این هدف چاره اندیشی بسیار شده
است و بحکم قانون از یک سو به است آرد در نفع تفاوت را در گرد
گذازدن آزمایشهای علمی و عملی فرار داده اند و از سوی دیگر تضمینهای
برای حفظ استقلال و بی نظری داوران پدید آورده اند.

قطعی است این چاره اندیشی با در دادگاههای اختصاصی آنها در صورتیکه
داورانش از میان داوران شغل برای غیر قضائی نگمارده شوند چندان بیشتر
همین جهت در کشورهای آزاد و پیشرفته روز بروز از شماره دادگاههای
اختصاصی در امنه صلاحیت آنها کاسته میشود و اگر هم وضع بخصوصی تشکیل
چنین دادگاهها را ایجاد کند هم بیشتر داوران آنرا از میان
دایمیتان دستگاه قضائی بر میگزینند.

بررسی کوتاهی از سرنوشت قانون در کشور ما نشان میدهد پس از آنکه
کودکانه گان راه بر فراری مشروطیت به پیروزی رسیده و بساط خود سوری چیده
شده نخبین قانون گزاران ایران که قوای مملکت را ناسی از دست

میدانند به طریقه استعمال این قوا راه در قانون اساسی و متمم آن روشن کردند
لذا سینه گان این در قانون که اساس مشروطیت را مبر بختند برای

آنکه وقت دست اندازی به آزادیهای فردی و اجتماعی ایرانیان را ندیده
در مورد برای گوناگون از شکل دادگستری و چگونگی فراگرفتن مردم در برابر
دادگاههای کشور سخن گفته در این زمینه چهار چوب قانونهای عادی را تبیین
چنانکه اصل بنیاد و یک متمم قانون اساسی دادگاههای دادگستری را جایگاه
اصلی دادخواستها شناخته و اصل بنیاد و یک متمم و بنیاد و در ۱۳۷۲
به ادرسان این دادگاهها از لحاظ تغییر شکل امنیت شایسته ای داده است.
اما گذشته زمان ایجاد دادگاههای اختصاصی بصورت آنتی برای دستگاه
قضایی کشور در آید و از جمله دادگاههای نظامی که با بنیاد اصل
بنیاد و محقق متمم قانون اساسی و با تصویب قانون اصول محاکمات
نظامی در ۱۳۰۱ و قانون محاکمات نظامی در تیرماه ۱۳۰۷ بنیاد
یافت بر خوردانی با قدرت دادگاههای عمومی دادگستری داشت که
بر انجام با تصویب قانون داریسی و کیز آرتش در ۱۳۱۸ شکل
خطرناکی برای حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی مردم ایجاد گرفت.
در این قانون برای بازپرسها، دادستانها و ادرسان شرط داشتن
هلکونه دانش حقوقی پیش بینی نشده بود و به تر اینکه هیچ جایگاهی
برای رسیدگی به تخلفهای قانونی آنها وجود نداشت.
اصلاحات متعددی هم در این زمینه بنده ان سودمند بنیاد در برابری کلی
کسانی که سالها با رخصیه پیاپیگری پر درسی یافته و پیش رفته اند بنیاد

مکن است از عهده برزیه کارهای فن دادرسی برآیند.

عیب بزرگ دیگر این قانون که در طول سالها هیچگونه کوششی ظاهری در رفع آن نشده است که دادستان دادگاههای آرتشی بوسیله فرماندهان عزل و نصب میشوند و هیچ وجه داری استقلالی که بایسته مقام قضاست نیستند. در دوران کار دادرسی آرتشی نمونه های زیادی دیده شده است که افسران دادرس بان نشان دادن آنکه استقلالی از خود در جرایم کتبی از کار، بارشنگی و دلت اندازیمهای دیگر گردیده اند.

این نقص از هنگام پیدایش سازمان اطلاعات و امنیت کشور خیلی زیاد شده است زیرا آگامستانگان این سازمان که بنابر قانون باید آزرده

آن از حیث تعقیب برزیه در زمره ضابطین نظامی بسته دامن اختیار خود را چنان بالا گرفته اند که در عمل بصورت فرمانده دادسراها و دادگاههای آرتشی درآمده

در همین پیرونده های ساخته شده بر آن من که در ردی میز این دادگاه قرار دارد نمونه های زیادی از خود سری گماستانگان سازمان اطلاعات

و امنیت کشور بچشم میخورد، از جمله در برگ ۱۱ پیرونده شماره $\frac{2109071}{2997}$ شخصی که از حوثی مراجعه کرده داشته است پس از اعتراض بقرار بازداشت

بر رئیس خود مستویه و با عرض مراتب فوق چون مشارالیه به قرار صادره اعتراض کرده لذا در صورت استقرار اراده عالی چنانچه اجازه فرماید

پیرونده دی جهت هرگونه اقدام قانونی به دادستان آرتشی احوال گرداننده

بر گونه دستورالعمل منوط با امر عالی است.

آیا این کسب اجازه نقض کننده ماده ۱۶۶ قانون دادرسی کیفری است

و ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری نیست.

چگونه میتوان دستگاهی را که در آن اجرای حکم قانون بسته به دستور اراده

عالی، یک فرد است فرمایند نه انست.

اگر صلاحیت دادسراها و دادگاههای آرتشی در زیر رسیدگی به بزه ^{سیاسی} است

ناشی از انجام تکلیف های نظامی باقی میماند برای دستگاه قضائی کشور

زبان چندانی نداشت ولی نگاه کوتاهی به کتاب دوم قانون دادرسی

و کیفر آرتشی نشان میدهد دامنه صلاحیت این دادسراها و دادگاههای

اختصاصی چنان گسترده دارد که بقول یکی از استادان حقوق ایران

نوعی کاپیتولاسیون داخلی بوجود آورده است.

در زمان حکومت قیاب آقای دکتر مصدق با تضییع و اجرای لایحه قانونی

حذف محاکم اختصاصی، صلاحیت دادگاههای آرتشی بحد اقل لازم رسیده

زیرا ماده ۱۱۹ لایحه قانونی میگفت در آن قسمت از جرائم عمومی افراد

غیر نظامی که در صلاحیت دادگاههای نظامی باشد و تکالیف و

مسائل نظامی ارتباط ندارد همچنین جرائم عمومی افراد و افسران آرتشی

که ارتباطی با تکالیف و مسائل نظامی نداشته و ارتباطی محسوب

نمیشود در صلاحیت دادگاههای دادگستری خواهد بود. مقررات مربوط

به دادگاههای موقت حکومت نظامی و همچنین دادگاههای زمان جنگ کماکان
به ثروت خود باقیست»

ولی در حکومتهای بعدی نه تنها بر این اصلاح اساسی قلم بطلان کشیدند
بلکه با تصویب قانونهای دیگری که بعضی از آنها آشکارا نقض کننده حقوق
پیش بینی شده در قانون اساسی است از هم بر دامنه صلاحیت دادگاهها
آرستنی افزودند.

گاه گفته میشود شرایط خاص اجتماعی نزد آمده است عمل نسبت به پاره ای از
بزرگواران را ایجاد میکند و همین دلیل رسیدگی بانگونه بزه باشد که برای زندگی
ملی خطرناک گردیده است در صلاحیت دادگاههای اختصاصی قرار داده میشود
تا با کیفیت ساختاری رد برود.

اما این استه لاجله بیچون در سه نیت زیرا اینکه نه دادگاهها به پیش از آنکه
در میزان کیفیت تغییر دهند شکل دادرسی را در گون میکنند، در حالیکه صرف
رفع بیدارسته قانونهای شکای بنام آئین دادرسی بازنشاسی حق از ابطال
وجه کردن کنایه کار از بیگناه است و هرگز نباید در آن دستکاریهای نابجا
شود.

پرفسور کاروا استاد دانشگاه لیون میگوید: «در آئین دادرسی کیفیت
دو اصل که هر دو مانند یکدیگر عزیز و مقدس هستند و در نظر میانه میان آنها خوا
جامعه به ادگری و اجرای کیفیت در سه و مناسب برای بزرگوار و دیگر رفا
آزادی فردی و حق دفاع کسیکه با او نسبت بزه داده شده است».

جادار و گویند سود وجود دادگاههای اختصاصی نظامی با گرایش که
به افزایش صلاحیت دارند آنها نباید از نظر زیانباری برای دستگاه قضائی
مورد بررسی قرار گیرد بلکه جعلت خدمت است که به اعتبار و احترام ارتش
دارد می آورد شایان توجه بیشتر است.

ارتش هر کشور باید از دلبستگی همه مردم برخوردار باشد تا هنگام خطر همگان
به پشتیبانی آن برخیزند، چنین وضع شایسته ای برای ارتش در صورتی پیدا
می آید که در کارهای داخلی کشور جز در زمان بحرانهای بزرگ که پایداری
آزادی و استقلال ملی در میان است نقشی بازی نکند.
ارتش باید نگهبان مرزها باشد نه کوبنده مرزها، بگذارد همه مردم بهای
احقاعی، همه مردم با برانند و برای که دارند، ارتش را راجع گفته و از دل و جان
در راه نیرو دهنده ای دست و دگر آن بکوشند.

اکنون دامنه گفتار را بجز موضوع اصلی یعنی عدم صلاحیت دادگاههای ارتشی
برای رسیدگی به بزه های سیاسی می کشانم.
در بالا گفته شد که قانون اساسی و مهم آن در مورد بزه های گوناگون
از شکل دادگستری سخن گفته و چهار چوب قانونهای عادی کشور
را در این زمینه روشن کرده اند.

از جمله این روشنگریها سره کج اصلهای مختلف در دوام و بقا و حقیقت و بقا
و این مهم قانون اساسی می باشد که میان بزه های سیاسی و غیر سیاسی

فروع نمایان نهاده است و به پیروی از آن قانون گز ایران بعدی نیز این دوگانگی طبع بزه را در دسته قانونهای عادی کشور گنجانده اند چنانکه ماده های ۲۶، ۵۴، ۵۵ و ۵۶ قانون کیفریهای نشانهای روسی از ویژگی بزه سیاسی با خود دارند.

و باز ماده ۱ و در ماده ۴ تا ۴۵۱ قانون آئین دادرسی کیفری و ماده ۱

و ۱۱ قانون هیئت منصفه و عنوان ماده ۱ قانون راجع بوادار نمودن مجرمین غیر سیاسی بکار و عنوان قانون عفو و بخشودگی و تخفیف باره ای از محکومین

سیاسی و عادی و ماده واحده قانون عفو عمومی مجرمین مخالفه آذربایجان

و زنجان و ماده ۴ و بند ب ماده ۵۵ قانون مطبوعات و ماده ۱۹ قانون

تشکیل محاکم قضائی و بند ۹ ماده ۱۰ و بند ۱۲ ماده ۱۴ قانون انتخابات

مجلس شورای ملی و ماده ۸ قانون اسرودار مجرمین آشکارا بزه سیاسی

و عادی را از هم جدا کرده است.

پیش از شرح دادن نتیجه این جدائی یعنی امتیازها اینکه قانون اساسی

و قانونهای عادی کشور برای بزه سیاسی شناخته اند جا دارد روشن شود

بزه سیاسی چیست و بکه ۲۱ دسته از بزه های پیش بینی شده در قانونهای

کیفری گفته میشود.

راست است که در قانونهای اساسی و عادی ایران تعریف صریحی از

بزه سیاسی نشده است ولی عدل ۲ تعریف برگزیده ال بر عدد ۲ وجود نمیشاند.

بخصوص که نارسانگی قانون در این مورد نهاد کشور ما بحسب آنچه در بسیاری
از کشورهای جهان بویژه هند کشور اروپای غربی که قانونهای کیفری ایران
گرفته شده از آنهاست نیز در چهار این نارسانگی مستند ولی هرگز نقص قانون
را در آنجا و نیز با اعمال کردن آن نگرداند و با لجاجت و بهای لازم میزان
سیاسی بزه سیاسی را یافته اند.

در کشور ما هم با آنکه دیده شده است باره ای از دادگاهها بویژه دادگاههای
آرشی که جزایان نه استی تعریف قانونی بزه سیاسی از پدید آمدن
حکماهی قطعی قانون در باره شکل سیدگی با اینکه بزه پر اسرار زده اند
دادستان وظیفه دارند با بررسیهای قضائی از تارکی و پیچیدگی قانون
بکاهند راههای پیدا کنند که هدف قانون گزار بر آورده شود و حق ضایع
نگردد و این درست همان روی سعه پنج دلیلان کشور در حکم شماره

۱۲/۱۶۲۲/۲۴ - ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲ می باشد که میگوید اگر دلیل تمام ادعا کرد بزه
مندرج در این ماده سیاسی است و باید با عنصر هشیب منصفه رسیدگی نمود
دادگاه بعرف آنکه جرائم سیاسی در قانون تعریف شده است و
این تقاضا را رد یا با اجمال بر گزار نماید بلکه باید موجهاً با ذکر دلایل دیگری
قبول یا رد نماید چه خلیع جرائم از قبیل قتل یا سرق در قانون تعریف شده
است و در مواردی که جرائم جزائی مفروض قانون جرائم مزبور را تشخیص و
در حکم قرار میدهد.

پس روشن شده این دارسیان هستند که باید با پژوهش‌های قضائی دهان
بسته قانون را بکشایند و اکنون مهم بعنوان فردی که با دست انجام
بزه سیاسی داده شده است میگوئیم در ضمن دفاع از حق خود به دارسیان
ارجمه این دارگاه در پیداکردن میزان برای شناسائی بزه سیاسی
کلیک کم.

باید دانست در حقوق جزا دو نظریه اصلی در چگونگی تعریف بزه سیاسی
وجود دارد یکی نظریه برونی و دیگری نظریه درونی.
نظریه برونی میزان شناسائی بزه سیاسی را موضوع آن میدانند یعنی
اینکه وقوع آن چه تغییری در اجتماع پدید می‌آورد بنابراین نظریه
بزه‌هائیکه انجام آن سبب رگرگونی در سامان و سازمان سیاسی
کشور می‌شود بزه سیاسی است.

اما نظریه درونی میزان شناسائی بزه سیاسی را انگیزه شخص انجام
دهنده آن میدانند و نیت بزحکار را از زیانی مسکنه بنا بر این نظریه بررس
عملی را برای برهم زدن سامان و سازمان سیاسی کشور انجام داده
بزه سیاسی دست زده است.

پذیرسی نظریه دوم اکثری بیشتر برداشته بزه‌های سیاسی میدانند بسیاری
از بزه‌های عادی را نیز که پیوستگی یا آمیختگی با بزه‌های سیاسی دارد
تلقیم و آنها میکنند.

دی نظریه نخستین که تنها بزه های سیاسی محض را در بر میگیرد همراهِ ایران
بیترکی پیدا کرده است چنانکه در کنفرانس بین المللی یگانگی ^{نخستین}
قانون جزا که در سال ۱۹۰۵ در لپنهاگ تشکیل گردید و وزیر دادگستری
ایران نیز در آن شرکت داشت باید بگردد این نظریه بزه سیاسی شرح
زیر تعریف شده بزه سیاسی عبارت از بزه ای است که بفسد سازمان
دولت اداره حکومت یا جانی حقوقی ناشی از آن برای افراد انجام میدهد
از این گذشته در مورد قانونهای عادی ایران نیز میتوانستند راهنمای
خوبی برای شناسائی بزه سیاسی باشند.

مورد یکم، قانون انتخابات مجلس شورای ملی تصویب شده در سال ۱۲۹۰
میباشد زیرا بنده ۱۲ ماده ۱۳ آن که میگوید «مقصود از سیاستی که بر ضد اساس
حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقامه کرده اند» آشکارا بزه های
بضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت را سیاسی تلقی کرده است.

مورد دوم، قانون راجع به عفو و بخشش و تخفیف پاره ای از محکومین
سیاسی و عادی تصویب شده در سال ۱۳۲۰ میباشند که عنزانشی از
در نوع بزه سیاسی و عادی حکایت میکنند و چون بزه های یاد شده

در ماده چهارم و پنجم آن بطور قطع عادی است این نتیجه بیاری آید که بزه های
زکر گردیده در ماده یک آن یعنی قسمت یک و دو ماده یک و ماده
پنجم قانون مقدمه بین علیه امنیت و استقلال مملکتی و ماده ۱۲ و ۱۳ و ۱۴

دند ب ماده ۲۶۹ قانون کیفر همگانی به نظر قانون گزاری سیاسی میباشد.
اینک که تا اندازه ای میزان شناسائی بزه سیاسی بدست آمده میتوان
آن دسته از بزه های پیش بینی شده در قانونهای کیفری ایران را که
دارای صفت سیاسی است باز شناخت.

چه با بکار بردن این میزان ردش میشود که بی گمان بزه های درج شده
در فصل یکم باب دوم قانون کیفر همگانی زیر عنوان «در جنبه جنایت
بر ضد امنیت مملکت» و نیز فصل دوم همین باب زیر عنوان «مخالفت
و ضدیت با اساس حکومت ملی و آزادی» دارای صفت سیاسی است
و بعضی از بزه های درج شده در فصل پنجم و ششم از باب دوم همین قانون
نیز که عنوان «در جنبه جنایت نسبت بجا حرین دولت» و در اجتماع
و مواضع برای ارتکاب جرائم را دارد و عریضه انگیزه بر بهکار از
انجام آنها میتواند صفت سیاسی بخورد بگردد.

یافتاری که در جدا کردن بزه سیاسی و عادی از یکدیگر شده به انجمن است که
در جهان امروز بر خلاف روزگاران کهن شکل رسیده گی و کیفر بزه های سیاسی
چند ان سخت گیرانه نمی باشد و حتی در دو قرن گذشته باینترنت آزاد فکر
در بیشتر کشورها بر بهکار ان سیاسی از امتیازهای بسیاری برخوردارند
برای جلوگیری از عرضی در روزی ز سلسله اران وقت نسبت با آنها چاره اندیشی
گوناگونی شده است.

در این زمینه قانون اساسی امتیاز بزرگی که برای بزه سیاسی
شناخته اند حضور هیئت منصفه می باشد چنانکه اصل هفتاد و هفتم متمم قانون
اساسی میگوید در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات هیئت منصفین در
حاکم حاضر خواهند بوده و عین امتیاز در قانونهای عادی نیز بارها بازگشته
و نوع دادگاهی هم که باید باینگونه بزه ها رسیدگی کند روشن گردیده است
چنانکه ماده یک قانون هیئت منصفه تصویب شده در اردیبهشت ماه ۱۳۱۰
میگوید رسیدگی بجرم های سیاسی و مطبوعاتی در دیوان جنائی و با حضور
هیئت منصفه بعمل خواهد آمد و ماده ۳۱ قانون مطبوعات تصویب
شده در اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ میگوید بجرائم مطبوعاتی و همچنین بجرائم سیاسی
عیر مطبوعاتی بر طبق اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی در دادگاه
جنائی دادگتری با حضور هیئت منصفه رسیدگی میشود در دین تازه
قانون تشکیل حاکم جنائی تصویب شده در اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ می باشد
که ماده ۱۹ آن میگوید در موارد جرائم سیاسی و مطبوعاتی که دادگاه
جنائی با حضور هیئت منصفه تشکیل میشود هیئت منصفه نیز احضار
میشود.

هیئت منصفه که از میان همه گروههای اجتماعی بجز کارکنان دولت برگزیده
میشوند و میتوان صفت نمایندگی افکار عمومی ملت را برای آنها شناخت
در بعضی از کشورهای جهان در بینه دادگاههای جنائی شرکت میکنند

ولی در ایران حضور هیئت منصفه تنها در دادگاههاست که بزه برای سیاسی و طبقاتی
رسیدگی میشود پیش بینی شده است.

شرکت هیئت منصفه در اینگونه دادرسی با ناسی از اندیشه استیابانی از
آزادی و احییت فردی در برابر قدرت دولت است، قانون گزاران
ایرانی چنین انگاشته اند که هیئت منصفه چون در دسی رفتار از قیود اداری و
دوابستگی سازمانهای دولتی پسته خواهند توانست از گمراهی و غرض در
دادرسان که با همه استقلال بازم سر قدرت خود را در دستخوش خواستهای
زمانه ایران وقت می بینند جلوگیری کنند.

امتیاز دیگری که نویسندگان قانون اساسی به بزه سیاسی داده اند بحث
گیری نسبت بعبیه علنی کردن دادگاه در جریان رسیدگی با اینگونه بزه میباشد
چنانکه اصل هفتاد و هفتم تمام قانون اساسی میگوید در موارد تقصیر
سیاسی و تطبوعات چنانچه مجرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید با اذن
آراء جمیع اعضاء محکمه بشود.

سایر امتیازهاست که در قانونهای عادی کشور برای بزه سیاسی شناخته
شده عبارتند از: جاری نشدن حکم تکرار بزه در باره آن، امکان برخورداری
از عفو عمومی، استفاده از عفو خصوصی نسبت بتمام کثیر و کوتاه تر بودن
حدت اعاده حیثیت که به ترتیب در ماده های ۲۶ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۹ قانون
کثیر میمانی درج گردیده است. ماده یک قانون دادار نمودن مجرمین

فیر سیاسی کبار تصویب شده در اسفند ۱۳۱۲ نیز بر چهاران سیاسی راز
کار کردن در زندان معاف دانسته است.

از آنچه تاکنون گفته شد مجبوری آشکار است که قانون گزاران ایران در خراز
و شیب ثقت سال مشروطیت چه در زمان شکوفایی بودن لنگل آزادی و
چه در هنگام پیکار و درگیری آن پیوسته خواستار رسیدگی بپزوه سیاسی در دادگاه جنایی
با حضور هیئت منصفه بوده اند.

و در همین حکم خاص در این باره صریح ماده ۱۹ قانون تشکیل
محاکم جنایی تصویب شده در اسفندماه ۱۳۲۷ بسیار شده که هرگونه شبهه‌نامی
از قانونهای قبلی مانده قانون راجع به صلاحیت دادگاههای نظامی در
حوادث جرائم عمومی تصویب شده در اسفندماه ۱۳۲۸ و قانون تشکیل
سازمان امنیت و اطلاعات کشور تصویب شده در اسفندماه ۱۳۳۵
را از میان میبرد.

ما قطع نظر از شایستگی دادگاه جنایی برای رسیدگی به پزوه سیاسی بفرض
آنکه در اوضاع و احوال خاص گزیرگی از پذیرش صلاحیت دادگاههای
آرتشی برای رسیدگی با اینگونه پزوه با تبارش حضور هیئت منصفه در آن
بهبود چه نباید مورد تردید قرار گیرد زیرا حکم اصل مفتاد و منقسم تمام قانون
اساسی در مورد حضور هیئت منصفه اطلاق کامل دارد و ناظر به دادگاهها
عمومی و اختصاصی هر دو است و حکومت قانون داری و کفر آرتش

فیر سیاسی کبار تصویب شده در اسفند ۱۳۱۲ نیز بر چهاران سیاسی راز
کار کردن در زندان معاف دانسته است.

از آنچه تاکنون گفته شد مجبوری آشکار است که قانون گزاران ایران در خراز
و شیب ثقت سال مشروطیت چه در زمان شکوفایی بودن لنگل آزادی و
چه در هنگام پیکار و درگیری آن پیوسته خواستار رسیدگی بپزوه سیاسی در دادگاه جنایی
با حضور هیئت منصفه بوده اند.

و در همین حکم خاص در این باره صریح ماده ۱۹ قانون تشکیل
محاکم جنایی تصویب شده در اسفندماه ۱۳۲۷ بسیار شده که هرگونه شبهه‌نامی
از قانونهای قبلی مانده قانون راجع به صلاحیت دادگاههای نظامی در
حوادث جرائم عمومی تصویب شده در اسفندماه ۱۳۲۸ و قانون تشکیل
سازمان امنیت و اطلاعات کشور تصویب شده در اسفندماه ۱۳۳۵
را از میان میبرد.

ما قطع نظر از شایستگی دادگاه جنایی برای رسیدگی به پزوه سیاسی بفرض
آنکه در اوضاع و احوال خاص گزیرگی از پذیرش صلاحیت دادگاههای
آرتشی برای رسیدگی با اینگونه پزوه با تبارش حضور هیئت منصفه در آن
بهبود چه نباید مورد تردید قرار گیرد زیرا حکم اصل مفتاد و منقسم تمام قانون
اساسی در مورد حضور هیئت منصفه اطلاق کامل دارد و ناظر به دادگاهها
عمومی و اختصاصی هر دو است و حکومت قانون داری و کفر آرتش

در ان مورد نمیتواند مایه نقض یا عدم اجرای اصلی از قانون اساسی شود و
شاید هم این سکوت از آنجائیکه شده باشد که در زمان تصویب قانون
دادرسی و کفایت آرتش گمان نمیرفتند است روزی کار دست اندازکی بقانون
اساسی به انجام رسد که قانونی باشد قانون تشکیل سازمان اطلاعات
و امنیت کشور به تصویب رسد و همه آزادیهای فردی و اجتماعی ملت
را با اعمال کند.

اینک با توجه با آنچه گذشت و نظر باینکه مراجعت کار آذربایجان و گورستانها
لعنوان عضو شورای مرکزی جبهه ملی و باینجا ۲ دبیر حزب ملت ایران
انجام داده ۲ بیای میزبان درسی کشیده اند.
و نظر باینکه ماده اسنادی کفایت خواست شامل کسانی است که
احالی مملکت را خریداری بعمل آورده اند بر ضد حکومت ملی کرده اند
و این عمل نمیتواند بدون جنبه سیاسی باشد.

بجکم قانون از دادگاه میخواهد فرار عدم صلاحیت خود را برای رسیدگی
باین پرونده صادر نماید.

بموردنده هائیکه برای رسیدگی باین دادگاه فرستاده شده است در چندین
مورد دارای نقض میباشد که بجز از بر آنها را ایراد مینمایم.

۱- یک مورد نقض عدم تفهیم صریح موضوع اتهام ۲ و بررسی نکردن دلایل
آن در مرحله باز بررسی است.

زیرا قرار بازداشت کنونی من بنام ۳۱۴۳۱۳ برضه احسین دانی محاکمت
که عنوان قضای از قانون کیفر همگانی است صادر گردیده در صورتیکه
بزه بای درج شده در قرارداد این فصل دارای تفادتهای بسیار است
و با صدور قرار بازداشت باین عنوان و روشن نگردن اصل موضوع
بزه در کلیه مراحل رسیدگی بگونه ایجاد ابهام ۳۱۴۳۱۳ و احوال حیا شده که ماده
۱۳۹ قانون دادرسی و کیفر آرتشی ماده ۱۳۵ قانون آیین دادرسی
کیفری آنرا منع کرده است.

همین تارکی باز پرس امکان داده است باینکه در آغاز قرار بازداشت
نوع ۳۱۴۳۱۳ برضه احسین دانی محاکمت را از طرف من سایر مقامات
دانشه و تخیس اعلامیه بای مضره «دانشه ناگهان در پایان آن
نوع ۳۱۴۳۱۳ را به تخریب اهل محاکمت بصلاح شدن برضه حکومت ملی،
شناخته و استناد بماده ۹۹ قانون کیفر همگانی کرده است و انگهی
در هیچیک از مراحل بازجویی و بازپرسی رسمی در آخرین دفاع
منت انجام چنین برهی را بمن نبراده اند در برونده هم کوچکترین
دلیل و مدرکی در این مورد وجود ندارد و بغرض وجود هم برابر ماده
۱۵۰ قانون دادرسی و کیفر آرتشی که میگوید باید باز پرس باید نسبت
بنام دلائل و مدارک بزه منتسب از متهم سئوالات لازم بنماید
میاست در مورد این دلائل و مدارک از من پرسش میشه.

۲- مورد دوم نقص اینست که در پرده شماره $\frac{2159512}{3742}$ یک شماره پیام دانشجوی با تاریخ مرداد ماه ۱۳۴۵ جز در مدارک فرستاده شده از سادات به باز بررسی ضبط اسبندی با توجه بصورت جلبه های تنظیمی این نشریه نه جز و ادراقی و نوشته های بیست آمده از دفتر کار من دهنه در جزو مدارک کمرفته شده از دو مقام دیگر عیبها شده و بهیچوجه روشن نیست که این نشریه را از کجا پیدا کرده اند.

این وظیفه باز پرس بوده است که چگونگی را تحقیق کند در صورت نزد سادات آک که این بدو نده را تشکیل داده پسند که این نشریه در کجا بیست آمده و آیا از کسی که آنرا با خود داشته باز جویا شده است یا نه و آیا این مشخص با این یا سایر همگان ارتباطی داشته یا خیر.

۳- مورد سوم نقص اینست که در کتب خواست، فرار مجربیت و بعضی قسمتها دیگر بدو نده ملحق از «فعالیت مفره» بمیان آمده است به آنکه روشن باشد غرض از بکار بردن این اصطلاح چیست.

این اصطلاح در هیچ کجای مثالونها یا کیفی ایران بکار نرفته و بهیچ عنوان فعالیت مفره وجود ندارد و باز پرس وظیفه داشته هر یک از اقدامات من یا سایر همگان را که برابر فالون بزه میساخته است اعلام نماید و مدارک فعالیت مفره با آنها در دن بهیچوجه دال بر جرم بردن این اقدامات نمیشود.

عضو یک حزب قانونی بودن، کوشش در پی بردن همه فواید این حزب کردن
و لزوم پائی در باره کارهای خیرین حزبی داشتن اگر از نظر دولتهای
قانون شکن و کارگزاران آنها فعالیت مفیده باشد از نظر قانون هرگز
جرم نیست بلکه استفاده از حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی پیش
رفته در قانون اساسی و متمم آن است.

این عمل یعنی اتمه اساسی عادی از اضرار امارک فعالیت مفیده بودن
و آنها را مورد تعقیب قرار دادن اصلی قانونی بودن بزه را که یکی
از تقصیهای برجسته است قضائی است یا محال میکند و بنابراین از حقوق مردم گرفته
از توجه اعلامیه جهانی حقوق بشر و متمم قانون اساسی ایران بحفظ
این اصل بموجب ماده دو قانون کیفری همگانی در هیچ عملی را نمیتوان جرم
دانست مگر آنچه بموجب قانون جرم شناخته شده است.

۴- مورد چهارم نقض اینست که در این دادگاه چهار پرونده از سن مورد
رسیدگی است که باز پرس در فرار مجریست و دادستان در کیفرخواست جرم
در مورد یکی از آنها یعنی پرونده اخیر بشماره $\frac{215652}{2742}$ اظهار نظر نکرده اند
در پرونده دیگری از این جهت نقض دارد در حالیکه ماده ۱۷۳ قانون
دادسی و کیفر آرتشی در نیز ماده ۱۹۲ آیین دادرسی کیفری باز پرس را
موظف باظهار عقیده صریح نسبت بوقوع یا عدم وقوع بزه کرده اند.
۵- مورد پنجم نقض اینست که پرونده شماره $\frac{215651}{2967}$ که در آن قرار

بازداشت من بعینان مطنون با تمام اقامت برضه احتیاط داخلی مملکت صادر
شده و نیز پررنده شماره ۲۱۴۶۴ که قرار بازداشت آن با تمام اخلاک و
و حرکت مردم باعثش صادر گردید و در دو آنها برای رسیدگی باین دادگاه
فرستاده شده است مرحله بازپرسی ندارد و بهمان بازجویی که از طرف
سازاک بعمل آمده است اکتفا کرده اند و مهتر اینکه فاقه آخرین دفاع میباشد.
این ترتیب برخلاف صریح ماده ۱۷۲ قانون دادرسی کیفری و کفر آرتش
و ماده ۱۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری در باره نزد آمدن گرفتن آخرین
دفاع از اتهام در مرحله بازپرسی میباشد و باید توجه داشت گرفتن آخرین
دفاع در مرحله بازپرسی از قواعد آمره است که عدم رعایت آن موجب
بطلان حکم میگردد.

۶- مورد هشتم نقص اینست که در قرار بحرحیت نوشته شده است «مخبرین باجورده
بارها بمراجع انتظامی احضار و مستعمله میشود که دست از اذیتات برخلاف
مصالح مملکت بردارد و بی هرگز به نفعه است خود عمل نمی نماید» خواندن این
جمله مراعیت در گفتنی کرد و پیش خود اندر سینه ۲ در فرزند شیب یکبار برای
گذشته در چه هنگام پای اراده ۴ ضمیمه است شده است که مبارز استیلی
خود را اقامت برخلاف مصالح مملکت ۲ به انم و در برابر مراجع انتظامی
نعمه بدست برداشتن از آن بکنم.

روز ایتر که در برابر بازجویی فرمانداری نظامی و سازاک و با بازپرسی

آرتشی قرار گرفته ام بیاد آوردم که باجه سرسختی از اندیشه با و کارهای خود دفاع کرده ام.

روزهای آنرا که از سوی رؤسای مراجع استقامی مانند پیمبر نخبیار پیمبر از خود ۵۰، آرتسید هداست، سریب علوی کیا و سر لشکر پانوردان احضار شده و با آنها گفتگو کرده ام بیاد آوردم که هرگز حتی برای یک لحظه از زنده رفتن ظاهری براسی به هم راه نیافتم و سر بلندانه از خواستهای ملی خود دفاع کرده ام.

ریاست ارجمند دادگاه شماستوانید برای منی بردن به حقیقت، این آقایان را اینجا بیاورید یا بهر نحو دیگر در این مورد از آنها پرسش کنید تا خلاف گوئی که در فرار مجرمت شده است روشن گردد. ریاست ارجمند دادگاه من این ادعای کذب را که در فرار مجرمت شده است امانت بخورد و شما را می دانم و ایشان را می خواهم این نقص بر طرف شود اگر دلیل و مدرکی در این مورد وجود دارد ارائه گردد.

۷- مورد هفتم نقص اینست که در هیچیک از پرونده های فرستاده شده با این دادگاه امر حقیقت نیست، این پرونده با دستور کلی بوسیله ما و در آن سازمان اطلاعات و امنیت کشور که جزو ضابطین نظامی هستند تشکیل گردیده و لازم بوده برابر ماده ۱۴۷ قانون دادرسی و کیفر آرتشی نزد فرمانده واحدی که دلخواه حرب در حوزه آن واقع است فرستاده شود.

تا بر ایرماده ۱۴۱ قانون نامبرده از طرف این فرمانده امر رسیدگی در تعقیب به دارستان داده شود.

در حالیکه این عمل انجام نگرفته و در هر مورد باز پرس مستقیم به این در دست داشتن هر کی تنها به تقاضای ساداک قرار بازداشت صادر کرده است و چه بسا اگر این پرونده با باسارک غیر کافی آن پیش از شروع به تعقیب نزد فرمانده واحد نظامی مرکز فرستاده می شد با در نظر گرفتن اصل حفظ احترام ارتش اجازه می داد که دیوان حرب بازچه دست خواسته های قانون شکنانه سازمان اطلاعات و امنیت کشور قرار گیرد

و با صادر نکردن امر تعقیب راه پرونده سازی را می بست
در دیشتم نقص تخلفی است که در هنگام بازداشت در دفتر کار اجکم
نیز اء سرادار در انجام گرفت و ناسازگار اعتراض خود را با اعضاء نکردن
صورت جله تنظیمی نشان دادیم.

زیر اماده ۱۴۲ قانون دادرسی دکنیز ارتش میگوید در ضابطین نظامی
معتبرانه در منازل اشخاص داخل شوند مگر جمعیت دادرسی دادگاه
بخش یا قائم مقام ادیانمانند ه بخشدار یا کلا نترسند بانی یا دهمین
عمل که پیدا است هدف قانون گزار از آنکه اصرار دارد یک مقام افغانی
یا شعوری همراه ضابطین نظامی باشد جلوگیری از تجاوز احتمالی به حقوق
و آزادیهای افراد و پیشگیری از هرگونه مداخله سازی بی جهت بوده است.
بر حال که آنکه مراد سنگی کردن جنبه گماشته ساداک بودند که یکی از آنها

خود را غمانده دادستان آرشیو معرفی حکم دولتی به پیوسته رعایت حکم ماده
۱۳۲ قانون دادرسی دکیفر آرشیو را ننمودند.

۹- حروردهم نقص اینستکه در صورت بجز تنظیمی خانه آقای احمدی ماسینی
بای کی پی دارای مدل ۳۱۰ گستره ذکر شده ولی شماره آن روشن نگردد
در حالیکه باز پرس با در دست داشتن این شماره مستوانت از غمانده

ساخته ای گستره در ایران بپرسه خریدار اولیه این ماسینی پلی کی پی چه
کسی بوده است و بی شک شناسائی این فرد و پرسش از وی
بخوبی ملحت ادعاها می راکه در این پرونده نسبت بموضوع ماسینی
پلی کی پی وجود دارد نشان میدهد.

۱۰- حروردهم نقص اینستکه در کیفرخواست صادره ناره نخ دفعه نزه
و نوع آن از لحاظ مستمرو آنی بودن روشن نشده است و این
ناموسی نه تنها برخلاف ماده ۱۷۹ قانون دادرسی دکیفر آرشیو
میباشد بلکه از جهت ایجاد ابهام در کیفرخواست در پیرا آوردن اشکال
برای رد ادعای آن اهمیت زیاد دارد.

با آنچه گفته شد روشن میشود در پرونده بای بحث رسیده گئی ده مورد نقص
دیگره میشود که جا دارد ادگناه با صدور قرار نقص آنها را برابر ماده
۱۹۶ قانون دادرسی دکیفر آرشیو برای تکمیل تحقیقات به پیرا پرسش بازگشت دهد.

از لحاظ ایراد حصول حرور زمان نیز باید یاد آور شود که نسبت به پرونده از

پرونده های فرستاده شده باین دادگاه یعنی پرونده های شماره $\frac{23419}{1148}$

شماره $\frac{21395}{2184}$ مورد زمان حاصل شده است.

زیرا پرونده شماره $\frac{23419}{1148}$ که در ۱۱/۱۰/۵۹ تشکیل شده و پانزدهم

دیگر هم داشته است، تاریخ آخرین اقدام قانونی نسبت بآن ۲۱/۱۰/۵۹

یعنی هنگام تبدیل فرار بازداشت مس بالتزام میباشد و این پرونده در

در ۲۲/۱۰/۵۹ برابر ماده ۵۱ قانون کیفر عمومی مورد مرور زمان قرار گرفته

بوده است ولی باز پرس باین حکم قانونی توجه نگردیده در ۲۳/۱۰/۵۹

یعنی افزودن بر یکسال بعد از پایان مدت مرور زمان قرار منع تعقیب

مهمان دیگر پرونده راجعت فقه دلیل صادر ولی در مورد (من) پرونده

را باز گذارنده و پس آنرا باین دادگاه فرستاده است.

پرونده شماره $\frac{21395}{2184}$ نیز که در ۱۸/۱۰/۵۹ تشکیل شده و تاریخ آخرین

اقدام قانونی نسبت بآن در ۲۴/۱۰/۴۰ میباشد، بگذشت سه سال در

۲۴/۱۰/۴۴ مورد مرور زمان قرار داشته است ولی در این باره

باز پرس از صده و ترا لازم خود داری کرده پرونده را به دادگاه فرستاده

است.

که اینک از دادگاه خواستار صده و ترا حصول مرور زمان نسبت

باین دو پرونده می باشم.

جریان دومین جلسه

ساعت ده بامه در روز سه شنبه سیزدهم مهر ماه هزار و سیصد و چهل و چهار،
دومین جلسه دادگاه عادی شماره دو آرتش رسمیت یافت.

پس از خواندن صورت جلسه بوسیله منشی، رئیس به دادستان گفت
و در مورد ایرادات و کلاهی مدافع و همچنین متهمین هرگونه اظهار نظرهای
دارید بیان فرمائید.

سخنان دادستان در ساعت ده و پنج دقیقه پایان یافت و
پس تیمار سالم و سرخنگ بهره در و سرخنگ معتقد با دایمخ دارنده
در ساعت یازده و بیست و پنج دقیقه آقای فردهر بصحبت پرداخت.
پس از پایان سخنان ایشان در ساعت دوازده و ده دقیقه
جلسه معبران تنفس تعطیل شد و جلسه بعدی بر روز چهارشنبه ساعت
سیفت دهم بامه در افتاد.
(در پایان جلسه باز و کلیان مدافع به آقای فردهر تبریک گفته)

سخنان دادستان دادگاه عادی شماره دو
در رد ایرادهای وکیلان مدافع و متهمان
نسبت به عدم صلاحیت، نقض پرونده و حصول مورد زمان
در رد متهم حبله دادگاه

محترماً در پاسخ وکلائی مدافع و آقایان متهمین در مورد صلاحیت و نقض
پرونده و مورد زمان بالتوجه به ماده ۲۰۶ و ۱۹۵ قانون دادرسی و کفیر
آرتش به عرض میرساند در باره اصل و تقاضا و نام متهم قانون اساسی
که بیان بسیار در در حوا (تفسیرات بسیار) و مطبوعات هشتت منصفین
در محاکم حاضر خواهند بود و به علت عدم حضور هشتت منصفین
به صلاحیت دادگاه نخورند و حضور هشتت منصفین را ضروری دانسته
در این مورد مطالبی به عرض میرساند:

اولاً بالتوجه به ماده ۲۰۵ قانون ساداک رسیدگی به بزه های
منظور در قانون مجازات مقدمه بین علیه است و استقلال
مملکت مصوب ۲۲ خرداد ۱۳۱۰ را قانون گزار در صلاحیت
دادگاههای نظامی دانسته و بدین ترتیب جرم ۳ را جرم ۲ عادی
تلقی میکند. ثانیاً در اصل هشتاد و هفتم متهم قانون اساسی که میگوید
«محاکم نظامی بر وفق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تأسیس خواهد
شد» چون اصل ۱۷ مناسخ بر اصل ۷۹ بوده و در قانون دادرسی
و کفیر آرتش هم چنین امری پیش بینی نشده دیگر مورد بررسی

حضور هیئت منصفه در دادگاه نظامی با جمعی مانند، چنانکه نظر قانون
گزار در رسیدگی به این قبیل اتهامات آن بود که با حضور هیئت منصفه
به نحوی که در قانون مجازات عمومی مصرح است رسیدگی صورت گیرد
دیگر موردی برای احاله و ارجاع این قبیل پرونده با به دادگاه نظامی
با جمعی مانند بلکه نظر قانون گزار چه در قانون مصوبه سال ۲۸
در قانون صلاحیت و تکلیفات ساراک مصوبه سال ۳۵
این بوده است که به این قبیل جرائم با آئین داری مخصوص محاکم
نظامی رسیدگی شود.

در مورد نقض پرونده مطالبی که سرکاران وکلای مدافع در مقام
ردیف یکم در دو ایراد نمودند به وقت بررسی کردیم به نظر اینجانب
نقض شورای در پرونده حاضر مشاهده نمی شود و پرونده از جهات
اساسی کامل و قابل طرح و رسیدگی میباشد که فتاوت آنرا به هیئت
داریان محترم و انذار می کنم.

در مورد آنکه در مقام ردیف یکم اشاره به اصطلاح فعالیت مفرده
قرار بجهت و کفر تو است نمودند و مدعی هستند که چنین جرمی در
قانون مجازات عمومی به این عنوان پیش بینی نشده است با
عرض کنم اصطلاح فعالیت مفرده به کلیه اعمال و اغتصابی که برخلاف
مصالح مملکت انجام میشود تلفظ میگردد که برای اصطلاح کلی و به گونه

از تکرار آن، در اجزای قضائی فقط به کلمه فعالیت مضمونه اشاره
می نمایند و در ماده اسنادی مزار حجرت و در ماده اسنادی دادگاه
عین - و ادقانونی ذکر شده که بطور اطلاق کلمه آنها حاکی از فعالیت برای
مضمونه است.

در جایی دیگر مآثم ردیف یکم اشاره بتبارخ وقوع بزه و نوع آن از
نظر مستمر یا آنی بودن نمودند به عقیده این جانب جرائم ارتکابی
از نظر فعالیت برای پی در پی مستمر و از لحاظ انتشار اعلامیه حاوی
تحریک و تحریک مردم بر علیه امنیت داخلی جرم آنی محسوب میگردد
و اطلاق آنی یا مستمر در تعیین مجازات و سرنوشت مآثم کوچکترین
تأثیری ندارد، اصل ماده اسنادی است که طبق آن محاکمه مآثم صادر
می کنند و اما در مورد مطالبی که مآثم ردیف ۱ در باره افسران قضائی
ارزاد نمودند مورد تکیه این جانب است زیرا کار قضائی دارای آرایش
از شریف ترین و با اطلاع ترین افسران آرایش تشکیل شده
د آراء صادره و تضادت عاقلانه دادگاههای آرایش مورد تأیید
دستگاههای قضائی عمومی می باشد، شاید برای مآثم ردیف یکم
در این مورد توهمی ایجاد شده باشد و اظهار ایشان در این مورد
به نشر اکاذیب مستتره از ناحیه مغرضین و مخالفین ملت و مملکت
بوده باشد، در مورد ۲ مضمون تمام گویا غیر نگار در محله دارگاه

که باز هم مهم ردهای بیانی اراد نمودند باید بعضی برسانم بالتوجه
به مواد ۱۹۲ و ۱۹۳ قانون دادرسی و کفر آرتش در پرونده امر به منع
مجلس نمی باشد که اندامات مخالف مواد مزبور انجام شده باشد
حضور تماشاچی و خبرنگار در صورت لزوم تابع تشریفات اداری است
همانطور که رایس دارگاه نه گمراشته، دارگاه سری نبوده و حضور عماد
و خبرنگار در صورت مراجعه آزاد خواهد بود.

اشاره ای به مواد ۱۳۷ و ۱۴۱ قانون دادرسی و کفر آرتش شد در
پاسخ عرضی کهم بالتوجه به مفاد ماده ۴۴ قانون دادرسی و کفر آرتش
که مشخص می نماید دارستان آرتش از لحاظ قضائی نمائنده بزرگ
آرتش است و ان فرسانده می باشد و ارجاع پرونده از طرف معظم اله
همزله امر معقب بوده است، چنانچه از ابتدای تأسیس اداره دادرسی
آرتش بهین منوال قانونی انجام و مورد تأیید دیوان عالی کشور
نیز گرفته است.

در مورد اینکه در آخرین دفاع، در بعضی از پرونده ها اخذ شده
باعتی به عرض برسانم چون پرونده حاکی از فعالیت های مضرتهم
ردهای است که بطور مستمر در ناره رخ های مختلف برقع
پیوسته است که در حقیقت موضوع اتهام در کلیه پرونده های مزبور
معلوم و روشن است بنابراین باز پرس مربوطه احتیاج از این

حفاظت نداشت است که برای تک اتمام معلوم در پرونده برای مختلف اتمام
به آخرین دفاع برای مختلف و معتمد نمایه، بعبارت الاخری سرکار باز پرس
به موجب قانون وظیفه خود را انجام داده است و در مورد مرد و زمان
نیز بالتوجه به عرض معروضه چون منتهی ردیف در حال حاضر دارای
پرونده پانزی است که هنوز مشمول مرد و زمان نشده بنابراین ادامه رسیدگی
از این جهت نیز بلا مانع خواهد بود.

در ردیف منتهی ردیف اظهار نمودند در فراموشی نوشته شده و همان
نامبرده بارها به مراجع قضائی احضار و دستگیر گردیده که دست از اندام
بر خلاف مصالح مملکت بردارند... بالتوجه به اظهارات عرض ایشان که بگونه
بر فراز و نشیب پیکار ملی گذشته اراده است که دست نهاده و مبارزات ملی
خود را که در حقیقت همان اتمامات بر خلاف مصالح مملکت است در
موقعیت برای مخصوص ادامه داده خود اعتراف صریحی است.

در جامعه کرامت چون مطالبی آنگاه این منتهی بیان نمودند که مربوط به
رسیدگی ماهوی است پاسخ آن بموقع داده خواهد شد و آنچه را بعرض داران مختص
رسانند بالتوجه به محتویات پرونده و سوابق امر هیچگونه ایرادی در پرونده امر
از لحاظ موارد سه گانه وجود ندارد که صدور هرگونه رای مقتضی را بعهده داران
مختص میگردد. چنانچه مطالب دیگری از طرف آنگاه آن وکلای مدافع
و منتهی ایراد شود که مستلزم جوابگویی باشد، فعلاً عرضی ندارم.

پایان به بلخان دادستان در درمیان جمله
دادگاه عمادی شماره دو

پیش از هر چیز در مورد علنی بودن دادگاه باید بگویم اینکه فرحروزی
به دادگاه مراجعه نکرده صحیح نیست زیرا از درزبان به کسی اجازه
درود ندهد حتی به خانواده ام که در هنگام پرونده خوانی پیش من
می آمدند این (و روزها اجازه نزدیک شدن به جایگاه دادرسی داده
نشده است.

علنی بودن دادگاه عبارت از شرکت تماشاگر و خبرنگار در جلسه
آن است من چند روزنامه اطلاعات و کیهان را در اینجانشان
میدهم که یراست از خبرهایی درباره سرقت، برخورد های خانوادگی،
خودکشی و قتل

من میدانم این روزنامه های بسیار آزاد با وزن کشور ناگزیر بسته
در اینگونه مورد انجمنه های ساواک را نشردهند ... اما همین ساواک
که مرا بزیرکار شناخته است خوب بود اجازه میداد خبرنگاران دادگاه
نخستین صبح نامردم از بیگونی و فعالیت منفرد من آگاه میشدند ...
از دادستان ارجمند تشکر میکنم که در پاسخ گفته ای من دامن بلخان
را کوتاه گرفته

اما در مورد عدم حضور هیئت منفرد که گفته « چون اصل ۸۷ متأخر بر اصل

۷۹ بوده در قانون دادرسی دیکتاتوریش هم چنین امری پیش بینی نشده

حوردن برای حضور هیئت منصفه در دادگاه نظامی با معنی مانده بابتی
بلگویم هیچ اصل اخلاقی اساسی نمیتواند اصل دیگر آنرا نقض کند.
در کار برای آرنتشی بهمان علنی که گفته شد دنیا، دنیای مختص است
یک قاضی دادگتری ممکن است نتواند در حکموتی وقوع جرم اظهار
نظر کند... همین دلیل در بسیاری از کشورها سعی شده که دادگاههای
نظامی هیئت دادرسان ترکیبی باشد...

وجود دادگاههای نظامی سبب از لحاظ رسیدگی به بزه برای نظامیان
که ناسی از انجام تکالیف نظامی باشد لازم است.

اما جرم برای سیاسی غیر از جرم برای عادی و نظامی است و همین
جهت ترتیب با و اعتبار برای خاصی برای رسیدگی به آنها شناخته اند...
با اهمیت تر از این اعتبارها شرکت هیئت منصفه در دادگاه است که
به بزه برای سیاسی رسیدگی میکند.

در باره ارزش هیئت منصفه بطور تفصیلی در جلسه قبل صحبت شد...
دادرسان چه آرنتشی چه غیر آرنتشی در هر حال به معنی اعم کلمه با دوله
نسبتی دارند و احتمال بحث تأثیر فرا گرفتن آنها وجود دارد
از طرف دیگر خواسته جامعه این است که از انبیه برای سیاسی ولو
بیواداران آن در اقلیت باشند پشتیبانی کند

> دنیای امروز نمایی دارد که اقلیت بطور کلی در امان باشد و حضور

هئیت منصفه در دادگاهها مثله به بزه سیاسی رسیدگی میکند بهین علت است
چه بسا انلیت امروز حامل نطفه فکر التزمیت فردا باشد... هئیت منصفه
که نماینده افکار عمومی است آمادگی بیشتری برای حفظ این نطفه دارد
نزد آن حضور هئیت منصفه در دادگاه کنونی که به یک بزه سیاسی رسیدگی
میکند حاکم قطعی قانون است.

اینکه دادستان ارجحه با اشاره به قانون تشکیل سازمان اطلاعات
و امنیت کشور نیلگیر گرفته جرمهای ذکر شده در آن عادی است
طبیح نمی باشد.

در اینجا مستقیماً از یک خبر شماره روزنامه کیهان به تاریخ
خواننده شد که نشان میدهد خود اداره دادرسی آرشش بعضی جرمها
ذکر شده در قانون تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور را
سیاسی شناخته است.

همچنان که گفته شد ضابطه ای در دست است که نشان میدهد چه چیزها
سیاسی میباشد و برای رسیدگی باین گونه بزه ها است که قانون اساسی
حضور هئیت منصفه را در دادگاه ضروری دانسته...

ملاحظه شود مادر دنیای پر آشوب کنونی حفظ قدرش قانون
اساسی است.

دادستان ارجحه گفته تقصی وجود ندارد در حالیکه پرونده های فرستاده شده

به این دادگاه از جهت برای گوناگون نقص داد... از دادستان ارجحه
تشکر دارم که با پیش کشیدن موضوع افسران قضائی بمن فرصت توضیح
ببخت در این باره را دارند... اگر نظرات آن این است که من خدای ناکرده
در شرف و دانشی افسران شک کرده ام بهیچ وجه درست نیست، بمن
برسانیت که افسران آرتش سالها با فرمانبرداری سروکار داشته
و دارای ورزشی لازماً برای قضاوت نیستند... آرتشبه آریانا
یک اسناد تاکتیک و یک دستور حقوق است، اما آیا میشود گفت
همان اندازه که نظامی از زنده های است قاضی خوبی هم هست...
دادستان ارجحه گفته و ما با اظهار ایشان در این مورد مشکلی به نظر ما
منتظره از ناحیه غرضین و مخالفین ملت و مملکت باشد... غرضین و مخالفین
مملکت ممکن است خیالی چیزها بگویند ولی من در زندگی سیاسی ام هیچگاه
گوشی به حرفهای غرض آلوده داده ام... من تمام کارهایم را بخاطر ملت
انجام داده ام و همین دلیل روی حق بودن آنها با من است میگویم.
در مورد اینکه دادستان ارجحه از شمع از سلخنان من اتخاذ شده کردند
گفته و بالتوجه به اظهارات صریح ایشان که میگویند بر فراز و نشیب پیکار
گذشته اراده است نسبت نکرده و مبارزات ملی خود را در حقیقت همان
افد امامت برخلاف مصالح مملکت است در موقعیت های مخصوص ادانه
داده خود اعتراف صریحی است که باید بگویم من به فعالتهای سیاسی

خود عمده افتخار کرده ۲۱.

فانش میگویم از گفته خود کلام ۲

بنده عشقم و از هر دو جهان آزاد ۲

اما در اینله این فعالیت با مضمون باشد جایی بحث است و امیدوارم
تا پایان کار دادگاه بتوانم ثابت کنم برخلاف حق و قانون گامی

برند است ۲۱... من سرانجام شما را بجهنم برسی خود مانع خواهم کرد
ولو آنکه این حقیقت در قلبتان بماند و به زبان نیاورید.

اینک از دادگاه درخواست مدد و فرار به ۲ صلاحیت و نقص پرونده
و حصول مرور زمان را دارم چون قبول تقاضای من مدتی کار

داری را بعقب خواهد انداخت و در زندان هم در شرایط بسیار نامناسب
بسر میدهم (در اینجا گفته شده شرایط زندانهای سیاسی بسیار سخت است)

همین در روزنه نغز از واسطگان جبهه ملی را از زندان قزل قلعه به زندان
شماره سه قصر آورده اند و چون اطافها بر بود آنها را در تیره راه رود

نزدیک روشویی به وضع نامناسبی جا داده اند (تقاضای تبدیل
قرار بازداشت خود را دارم ۲)

جریان سومین جلسه

ساعت ده باعداد روز چهارشنبه چهاردهم مهرماه هزار و سیصد و چهل و چهار، سومین جلسه دادگاه عادی شماره دو آرتش رسمیت یافت. پس از خواندن صورت جلسه بوسیله منشی، آقای نمازی در ردگفتار دادستان شروع به صحبت کرد، بعد هم آقای احمدی در طی سخنان کوتاهی خواستار تبدیل قرار خود شد.

در ساعت ده و سه چهارم دادگاه وارد شور شد و در ساعت یازده و بیست و دقیقه قرار رد ایراد برای متهمان ردگیلان مدافع دادگاه دادرسی را صادر نمود در منشی آنرا خواند.

جلسه در ساعت یازده و نیم بعنوان نفس تعطیل گردید و جلسه بعدی بروز پنجشنبه ساعت هفت و نیم باعداد افتاد.

(بعد از جلسه یکی از دادرسان روبرو آقای فرود هر کرد و گفت ما ناگزیر این قرار صادر کردیم ولی انشاء الله بموقع نتیجه است و استقلال خود را نشان میدهیم)

قرار دادگاه عادی شماره دو اداره داری آرتش

پیرامون ایرادای عهد املا حیت، نقض پرونده

دو روز زمان

هیئت داریان دادگاه عادی شماره ۲ پس از استماع دفاعیات
خود متهمان و زردفرد و کلائی مدافع در مورد نقض یا عهد املا حیت
دادگاه و یا حضور هیئت منصفه و همچنین حصول مرور زمان در مورد
پوشش ای حادسی سوابق قبلی متهمان ردیفهای یکم و دوم و ابعان
نظر دقیق و مخصوص در ایرادات متهمان ردیف اول و دوم و مزوره
فوق و بیانات داریستان دادگاه و بالتوجه باین نکته که قبلاً یک ایراد
به وند از تاریخ ۱۸/۵/۴۴ به بعد (تاریخ ارجاع پرونده به این دادگاه)
مورد بررسی قرار گرفته است علیهذا هیئت داریان به اتفاق آراء
ایرادات متهمین و کلائی مدافع آنان را وارد ندانسته و به اداری
اداره داده میشود.

رئیس دادگاه عادی شماره دو اداره داری آرتش سرهنگ ستاد

محمد آریانزاد

داریان: ۱- سرهنگ پیاده عهد اله ایردانی ۲- سرهنگ پیاده محمد حسن

شهریار پور

جریان چهارمین جلسه

ساعت بیست و پنج دقیقه با مدار روز شنبه سیزدهم مهرماه هزار و سیصد و چهل و چهار، چهارمین جلسه دادگاه عمادی شماره دو آرتش رسمیت یافت.

پس از خواندن صورت جلسه و کیفرخواست بوسیله منشی، در ساعت نه و دو دقیقه رئیس از یک نماینده پرسی کرد و آقایان کیفرخواست

تنظیمی ریزه انتسابی را قبول دارند یا خیر که هر سه نفر پاسخ منفی دادند.

پس رئیس خطاب به وکیلان مدافع گفت در هنگام دفاع سعی نمایند

که خارج از موضوع سخن نگویند.

در ساعت نه و چهار دقیقه تیمار سالم به دفاع از آقایان فرود برداشت و در ساعت

ده و دو دقیقه بعثت دادستان کار در دادگاه دیگر به صحبت خود پایان داد و اجازه

گرفت که بقیه دفاع خود را بفرمایند و کول کنند.

در ساعت ده و پنج دقیقه سرکار سرهنگ بهره و به دفاع پرداخت و در ساعت

ده و سی و پنج دقیقه نفس داده شد و در ساعت ده و پنج دقیقه بار دیگر جلسه

دادگاه رسمیت یافت و سرکار سرهنگ بهره و به سخنان خود ادامه داد.

ساعت یازده و چهل و بیست دقیقه سرکار سرهنگ معتقد به دفاع از آقایان

احمدی شروع کرد.

پس از صحبت ایشان جلسه دادگاه در ساعت دوازده و سه

چهارم بعنوان نفس پایان یافت و جلسه بعدی که روز یکشنبه ساعت

بیست و نیم باشد در ابتدا.

جریان پنجمین جبهه

ساعت نهم و نیم بعد از روز یکشنبه هجدهم مهرماه هزار و سیصد و چهل و چهار،
پنجمین جبهه دادگاه عادی شماره دو آرتش رسمیت یافت .
پس از خواندن صورت جبهه بوسیله منشی، تیمار سرتیپ سالم درباله
سخنان قبلی خود را گرفت و تا ساعت ده و چهار دقیقه صحبت کرد .
پس رئیس دادگاه از آقای فردرخواست به دفاع از خود پردازانه
و ایشان هم پس از ذکر جنبه مطلب شفاهی شروع بخواندن متن دفاعیه
خود کرد .

پس از ایشان آقای غماری به دفاع از خود پرداخت و در
ساعت یازده و نیم جبهه دادگاه بعنوان تنفس تعطیل گردید .
و جبهه بعدی بر روز دوشنبه ساعت هفت و نیم با همه ادوکل ش .

پس از آنکه دارسان از همه دلیل قائلونی پیرامون عدم صلاحیت
دادگاههای ارتشی برای رسیدگی به بزه های سیاسی را نادیده گرفته و
آهنه نقص آشکار در بازپرسی و پرونده ها را ناچیز شمردند و آن فرایز اعتبار
از نظر قضائی را صادر کردند جای آن بود که دیگر در ۲ فروردین ۱۳۰۷
سخن از قائلون نگویم

ولی از آنجا که هنوز امیدواریم با گفتارهای بعدی خود سیمای رنگ باخته
حقیقت را روشن سازیم و از آنجا که آشنایان چند نفر ارتشی را
با اندیشه ای و کارهای حزب مله ایران را سودمند میدانیم دفاع از خویش
را دنبال میکنیم

(در اینجا بابت انگلیختگی گفته شد: اینکه میگویم آشنایان چند نفر
ارتشی را با اندیشه ای و کارهای حزبی که وابستگی آنها را در ۱۳۰۷
میدانیم از جهت آن است که سراپای وجودم بر راستی آینه با
احترام به ارتشی می باشد و با اینکه بارها آزادی من به وسیله
ارتشیانی که در سازمانهای امنیتی کار میکردند اندسلب شده
و به زندانهای ارتشی افتاده ام هیچگاه ذره ای از احترام من
به ارتش کارسب نشده... من فرزند یک افسر ارتشی هستم و در
یک خانواده سربازی بزرگم یافته ام... من هرگز تیره مردانه پیرم را
پس از ترک مقاومت در برابر فاشون بیگانه در روزهای سیاه نندیدم

هزار و سیصد و بیست از یاد نمیرم که چگونه اشک در چشمانش حلقه زد
... او در آن هنگام بمن نشان داد که بچه را هم باید بروم... من درس
میدین پرستی را در چنین مکتبی فرا گرفتم.

ازش آرتشها را بیته با سیزان محبوبیت آن در نزد مردم و ایمان
سربازان و افرانش که با این محبوبیت بستگی نزدیکی دارند
می بلجند... خواست همین پرستان ایران اینست که آرتش از احترام
و در بستگی مردم برخوردار باشد... حیف است که افران آرتش
بصورت گماشتگان سازمان امنیت در آینه و آن فلاحکاران
زرت را انجام دهند.

همه ما همه ناسیونالیتهای ایران به آرتش احترام میکنیم...
حزب ما تنها حزبی است که از گذشته های دور عقیده داشته عظمت
میدین مابستگی بقدرت آرتش دارد.

الآن که گفتار خود را برای رد کردن کفر خواست تنظیم شده آغاز میکنم
جا دارد یاد آور شویم با اینکه بر حسب پیشه و کالند دادگتری کفر خواستهای
گذرانگون دیده ۲۱۰ هرگز با کفر خواستی چنین بست و بی دلیل در یک
برخور دنکر ۲۱۰.

تنظیم کننده این کفر خواست سخت در آغاز شرح گردیم کارهای
تیره کردن ذهن داریانی که بدین وسیله و نادرستی آن رسیدگی میکنند نوشته

است «چون بعضی از احزاب در دستجات با طبع و نشر اعلامیه های مضره
باعث تحريك از همان عمومی و تحريك پس مردم به اخلاص و اعتمادش در
اقدامات حاد علیه دولت های وقت می شدند مآخوذین انتظامی در صدد
یافتن کمیته کننده و توزیع و وسائل طبع و تکثیر این اوراق بر می آمدند و
این ترتیب خواسته است بارگوشی همه حزبها و سازمان های سیاسی کشور را
که بمبارزه با دولت های وقت برخاسته اند بدوش متهمان این پرونده می کشند
و برای محبت بزه نسبت داده شده میفرزاید در صورتیکه اگر این کمیته خوا
با حسن نیت با بسته کار بردارستان کمیته میسر نیازی بر ردیف کردن
این چند جمله بر آب و تاب ولی بدون بستگی بمورد آنها در میان نبود
بعد از این پیش در آمد نا بجا تنظیم کننده کمیته خواست کرد پس کار را بچگونگی
دستگیری متهمان می کشاند و نخت در مورد دستگیری آقای احمدی
میگوید و منزل ایشان مورد سر و زدن و آتش و با حضور نماینده داد^{ستان}
آرشی بوسیله سازمان اطلاعات و امنیت کشور جنجو و بازرسی
شده نتیجتاً موفق به کشف ماسین پایی کپی و معقداری حد اراک مضره «
میکردند در حالیکه صورت حله تنظیمی نشان حد اراک میگردیدند در ک
مضره یا غیر مضره ای مربوط بموضوع آنها ۲۱ از منزل نامبرده است
نمایند است.

پس جلسه باز داشت آقای نمازی را مضره ورود بخانه آنها

احمدی ذکر نموده در استن سابقه مبارزه سیاسی را دلیل شرکت ایشان
در تهیه آن و مذاکره مفهومی ناپیدا گرفته است و از این پادر هوای آنرا
دستگیری من نتیجه اعتراف آقای نمازی بر وابستگی حزب ملت ایران
تلقی شده و تنظیم کننده کپیخواست در این قسمت از گردش کار مینویسد
در همین نظر میرسد که اعلامیه های مورد بحث بنابه دستور دار یوسس فرد فرد
منزل استیجاری احمدی با کمک بهرام نمازی تهیه و توزیع گردیده است
به نیکونه دیده میشود که تنها جلدت پیدایش سوءظن و از روی حدس و
بدون کوچکترین دلیل من و دو فرد دیگر مورد اتهام قرار گرفته و بازداشت
شده ایم و انگیزه پید چه روشن نیست نظر تنظیم کننده کپیخواست از
اعلامیه های مورد بحث، مداری است که ادعا میشود از منزل آقای احمدی
کشف گردیده یا اعلامیه های حقیقی است که طبع و توزیع آن به واحزاب و بنجاش
مخالف دولت نسبت داده شده است.

بعد از این گردش کار بنا بر دستور هم تنظیم کننده کپیخواست بزرگم نتیجه تحقیقات
دلائل آنها را شروع کرده ولی از آنجا که تحقیقات با وجود باز پرس نتایجی
برای اثبات بزه انتسابی در برنده است مبرحت از روی آن گذشته
در رد اظهارات همان مبنی بر عدم انجام هیچگونه عملی که برابر قوانین کفری
جانم یا جنایت بر ضد امنیت داخلی مملکت باشد، تنها توجیه به سوابق
و فعالیتهای مفهومی است که گرا را باعث دستگیری آنها گردیده، داده پس

بشرح دلائلی که در بزه انتسابی را محرز و مسلم همیدارد پرداخته است.
اما برخلاف ادعای تنظیم کننده کفر خواست این دلائل ۳۳ صحت بی اعتبار
است و هیچ بزه نسبت داده شده را محرز نمیکند و اکنون من بسهم خود
با شرح تکلیف دلائلی که بر ضد ۲ افاده گردیده به رد آن میپردازم.
نخستین دلیل کفر خواست «کشف حد آرک و اصلاحیه های محضه از
دفتر کار مربوط به شرح صورت جبهه تنظیمی مضبوط در پرونده انفرادی»
میباشد که نگاهی کوتاه بصورت جبهه اسنادی خود می آید از سوی بودن این
دلیل را روشن میسازد زیرا از دفتر من هیچگونه اصلاحیه یا حد آرکی که مفاد
آن برابر قانونهای کفری جرم ۲ باشد و بتوان آنها را محضه دانست
به دست نیامده و همین جهت سازندگان پرونده با همگونی کوششی که برای دلیل
سراسری داشته آنها را قابل استناد ندانسته به پرونده پیوست نگذردند.
دومین دلیل کفر خواست «ادامه فعالیت های محضه و حد آرک از ۲۸
مرداد ۳۲ به بعد که همین کلمه گمراه کننده است»
این راست است که من بعنوان دبیر حزب ملت ایران از ۲۸ مرداد
۱۳۳۲ بعینه با دولتهای وقت مبارزه کرده و کارهای آنها را در زمینه
گوناگون برای ۱۴۴۴م زیر بخش مه آنته ۴۱ ملی باید توجه داشت همه این
کوششها باینکه محقق می که قانون اساسی و متمم آن برای ملت ایران شناخته
صورت گرفته و هرگز علی برخلاف قانون انجام نشده است.

از همین ردی باز داشتای همی ردی من با اینکه گاه حدتهای زیادی بدر از
کشیده همه فالزن کلنانه بوده و هرگز ۴۴ درس کار آنها از رسیدههای اولیه
جلوتر نرفته و به شکل دادگاه نیانجامیده است.

در اینجا خوب روشن میشود که تنظیم کننده کتیز خواست در رنگی تافیه کپ کرده
و ناچار سوایقی را که بنا بر روی بعضی کشور غیر مؤثر تلقی میشوند به

صورت دلیل در آورده است.

دلیل بودا کتیز خواست مفاد نامه شماره ۹۰۰۲/۲۰۰۹-۴۲۴۶۲۲

سازمان اطلاعات و امنیت کشور که حاکی از فعالیت مد اوادی

میباشد است.

حتیجوی این نامه مدعی او میگوید که برای پرونده خوانی داشتیم گرفت

تا سر انجام نامه ای با همین شماره و با همین تاریخ روز و ماه و کی با نقاد

سال ناشی از استباه قلمی بدست آمده است آن بقره از بر است.

«بسیار ریاست اداره دادرسی آرتش

موضوع: داریوش فرد در فرزند صادق

با توجه باینکه تحقیقات از منتهی نامبرده بالا خانمه یافته و مدعی است پرونده

در تکمیل حجت تعقیب ناموزنی به آن اداره ارسال گردیده و ابقای

مشارالیه در زندان قزل قلعه از نظر کجبرد جا ملاقات با بستگان

اسکالایی تزلیه نموده منتهی است معترضه سائیده و برابری آن شهر باجی کلسور

منتقل و تبیجه را با اعلام سر انجام کار نامبرده باین سازمان استعاره دارند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور

خوب پیدا است که این نامه بمنواند دلیل بر صحت بزه انتسابی باشد
عند آن از جهت مورد نظر تنظیم کننده کپی خواست فرآ گرفته است، نامه یک
گوناگون دیگری ۴ از ساداک در این پرونده وجود دارد ولی روشن نیست
که آن یک از آنها مورد استناد بسیار شد که مشخص در ردیف ۱۰۱۱۱۱
گفته شود.

با اینهمه یاد آور میگردم سایر نامه های سازمان اطلاعات و امنیت
کشور هم که در این پرونده ضبط است هیچ دلیلی بر صحت بزه انتسابی
ارائه نمیدهد و تنها بقلم فرسائی درباره بازداشت های گذشته من برداشته
دگاهی ۱۴ به اطلاعات واصله بدون مدرک تکیه کرده و در بعضی از
آنها نیز انتباه های آشکار شده است.

بعنوان نمونه جاداد نظر داریان ارجمند را بنامه شماره ۳۷۵۱۴/۳۱۲
- ۲۷/۱۰/۴۵ ساداک به باز پرس سعبه هفت جلب کنم در این نامه

نوشته شده پس از بازداشت مأمور ناجا برده بالا شماره های ۰ و دادنامه
در ماه نشریه پیام دانشجو منتشر نگردیده که همین سمت کوچک در انتباه
بزرگ را در بردار یکی اینکه مراد شماره نخ ۴۵,۹,۲۹ دستگیر کرده اند
و عدد انتشار پیام دانشجو در ماههای مرداد و شهریور آن سال بمنواند
پس از بازداشت من تلقی شود، حتماً اینکه خود ساداک یک شماره
پیام دانشجو با شماره کج مرداد ماه، رفتگی و به پرونده پیوسته کرده پس
حکونه محکم است این نشریه در آن ماه منتشر نشده باشد چه بسا

پیام دانشجو در ماه‌های شه‌لیور و مهر ۳۳ نشر یافته ولی بدست کماستگان
ساواک که گویج قدرت بی حد خود بر تنه نرسیده باشد.

دلیل چهارم کفر خواست «سائر فرائین و امارات موجود در بیرونده»
میباشد که قبل از ارزیابی آن جا دارد یاد آور شود بطور کلی فرنیو اماره
نبار لغزغف قانون و عبارت از ارفاع و احوالی است که دلیل امری
شناخته می‌شود و تنها مستواند سفیه ظن باشد و هیچ‌چیز وادله سفیه
قطع تلقی نمیگردد.

از این گذشته در همگام استناد به فرائین و امارات لازم است نکات
آنها بطور روشن شرح داده شود و ذکر جمله کلی در سائر فرائین و امارات
موجود در بیرونده بجای آنکه راهنمایی برای رسیدن دادرسی به حقیقت
باشد سایر گمراهی ادست.

به حال بررسی بیرونده نشان میدهد بجز فرائین و امارات که تنظیم کننده
کفر خواست بجای دلیل برای اثبات بزه انتسابی نگار برده است
فرنیو و اماره دیگری بنفع ادعای امیان وجود ندارد در برعکس در این
بیرونده فرائین و اماراتی میتوان یافت که دلالت میکند بر ادعای بودن
بزه حسب داده شده به اتهام حاضر.

از جمله در گزارش بازرسی سازمان اطلاعات و امنیت کشور در باره
به آن در گزارش مجرمیت و کفر خواست در آنجا شکی در رسم کار برنگ داده شده است

بدون هیچ دلیل گمان برده اند که نشریه پیام دانشجو به طور دارلوسی فرود
در منزل استیجاری منوچهر احمدی و بانک بهرام نمازی تهیه و توزیع شده
است.

در حالیکه خود ساداک در پاسخ پرسشهای باز پرس در نامه شماره -
۳۷۵۱۴/۵۱۲-۲۷/۴۵/۲ برگ ۸۱ پرونده و نیز در نامه شماره -
۴۴۰۴/۵۱۲-۵/۲/۴۵ برگ ۱۰۴ پرونده اقرار کرده که نشریه پیام دانشجو
پس از بازداشت پرسه نفر متهمان این پرونده ضبط مائین ^{می}گردد
همچنان طبع و توزیع شده است و این خود ^{می}تواند دلیلی بر این باشد
بر اینکه گزارش رسیده به سازمان اطلاعات و امنیت کشور در
بنده وجه قبل وجه بعد از بازداشت من در دستم دیگر نشریه پیام دانشجو
که اگان سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران، بسیار به وسیله خود
دانشجویان تهیه و پخش می شده است.

و باز چون بررسی پرونده نشان میدهد میان گفته های پرسه نفر متهم بالیکه
در تمام مدت بازجویی و بازپرسی چه از محم و در زندان انفرادی بر سر ^{می}گردد
هیچگونه تناقضی بوجود نیامده و گفته های هر یک از آنها نیز در تمام مراحل
بازجویی و بازپرسی که زمانی دراز طول انجامیده بکنواخت مانده است
می توان همان عدم تناقض و کنواختی را از نظر قضائی قریب و اماره ای
برای درستی گفته های متهمان و نادرستی و دواهی بودن بزه استیجاری دانست.

پس از ذکر دلائلی که در ابواب اعتباری آنها در شن مگردید تنظیم کتبه کثیر خواست
به شرح و نوع بزه و انطباق آن با قانون و سپردن آن در بگویی بزه انسانی
از درجه علمه و عمل ناسخ آن منطبق است با قسمت اخیر ماده ۶۹ قانون
مجازات عمومی.

این ماده شامل کسانیست که در احوالی محاکمات را صرفاً مختصین عملی شدن بر
ضد حکومت ملی و نمایندگی و باید از تنظیم کتبه کثیر خواست پرسه کی و کجاست
با سایر متهمان دست به چنین عملی زده ایم و این مختصین در کده ۴ لفته
یا نوشته صورت گرفته است.

مخبر ۴ این سر میگوید چه برک از پرونده نهفته بوده که در تمام مراحل
بازجویی و بازپرسی کوچکترین پرسشی درباره آن از سوی سایر متهمان
نشده و ناگهان در فرار بجز حقیقت بر آورده و کثیر خواست هم بدین
تکلیف کرده است.

دادستان ارجمند: چنانکه در کمی در مورد این ادعا دارید نشان دهید و گرنه
استبانه تنظیم کتبه کثیر خواست را جبران و عدم انطباق بزه منتهی داده
شده را با ماده اسنادی اعلام نماید.

دادستان ارجمند: پرونده باطلی را که در اختیار دارید به دست نرود و کنید
اطمینان داشته باشد در آنها کوچکترین نشانه ای از مختصین آشکار
باینهمان احوالی محاکمات بعملی شدن به دست نخواهد آمد.

جا دارد گویند که جبهه ملی و حزب ملت ایران که بن افتخار و ابستگی
آنها را دارم عوارض مبارزه خود را در چهارچوب قانون های اساسی و عادی
کشور انجام داده و هیچگاه علی غیر قانونی نکرده اند.

این روش با بررسی دقیق شرائط زمانی و مکانی برگزیده شده است
و با اینکه سالهاست دولت های وقت بیشتر حقوق قانونی ملت را پایمال
قدرت خود ساخته اند و بار احم برای بلخفه ۳ دیودنده کی مبارزه
قانونی نکرده ایم.

ناسیونالیست های ایران برگزیده نخواهند شد همین خود آله بانه از مکانی
دوچار دست اندازهای استعمارگران میباشند مانند بعضی از کشورهای
جان غرق در جنگ و خونریزی و بصورت آزمایشگاه اسلحه های نوز
کشتارگاه مرد ۳ به بند.

انیک با توجیه آنچه گذشت از داریان ار حجه میخوانیم بحکم حق و قانون
و لعبت فقد دلیل رای به برائت نهان این برنده ساختن به عهد و
حاضر نشوند این بازداشت قانون شکنانه بسبب از این ادامه یابد.

جریان ششمین جلسه

در ساعت ده با بعد از روز دوشنبه نوزدهم مهرماه هزار و سیصد و هفتاد و چهار ششمین جلسه دادگاه عمادی شماره دو آرتش رسمیت یافت. پس از خواندن صورت جلسه بوسیله منشی، رئیس دادگاه از آقای احمدی خواست اگر مطلبی دارد بیان کند، امیاً انهم منین دفاعیه ای را که تهیه کرده بود خواند.

جلسه دادگاه در ساعت ده و یک چهارم معبران شش و هفتاد و چهارم جلسه بعدی بر روز دوشنبه ساعت هشت با بعد از افتاد.

(در این جلسه تنها سرمنگ معتمدی وکیل مدافع آقای احمدی حضور داشت و دو وکیل مدافع دیگر نبودند.)

جریان سفتین جله

ساعت ده و بیست دقیقه با عداد روز سه شنبه بیستم مهرماه هزار و سیصد و
چهل و چهار، سفتین جله دادگاه عمادی شماره دو آرتش رحمت یافت.

پس از خواندن صورت جله لیوسیله منشی، دادستان دادگاه
سرمهنگ جلالی بیاسلخگونی بوکلاعه افع و مهتمان پرداخت.

در ساعت ده و سه چهارم سخنان امین پایان یافت و تیمار
سریب سالم شروع به صحبت کرد.

بعد از ده و بیست و پنج دقیقه سرکار سرمهنگ بهره در
به رد مطالب دادستان پرداخت و پس سرکار سرمهنگ معقه
به صحبت شروع نمود.

جمله دادگاه در ساعت معزوان تنفس تعطیل شد و

جمله بعد از بروز چهارشنبه ساعت بیست و نیم بامداد افتاد.

بعد از جمله سرمهنگ جلالی دادستان دادگاه به آقای فردهر گفت
اگر در صحبت های من عائی بود به نخبه

سخنان دارستان دادگاه عادی شماره دو

در مبحثین جلب دادگاه

محترماً به عرض میرساند در قبال فرمایشات دکلاای مدافع و باینکه منتهان
تا جائیکه از لحاظ قانون وظیفه دارم مطالبی برای روشن شدن ذهن دارستان
محترم به عرض میرسانم بدو ابستگی به این نکته توجه به هم که دکلاای مدافع
محترم آنها دارای این وظیفه نیستند که بالتوسل به موضوعی اعم از ریس بیاورد
منطقی یا غیر منطقی در صدر منحرف نمودن ذهن دارستان محترم بر آنند
بلکه همانطوریکه دارستان دادگاه موظف و مکلف است از طریق غمانه
قانون مطالب را صغیر به صغیر و فصل به فصل روشن نماید دکلاای مدافع
نیز از این جهت موظف و مکلف بوده و هست که مشارالیه نیز در حدود
قانون و باینکه به مواد ۱۹۴ و ۱۹۵ قانون دادرسی دکتیر آرایش
در روشن شدن قضیه و هم چنین ذهن دارستان محترم شریک مساعی
و مساعدت نمایند. بنابراین دارستان در ادعای آنکه تنظیم نموده و
از آن دفاعی نماید یا واقعاً محقق بوده و ادعایش صحیح و منطقی
است یا اینکه اصولاً ادعای او جنبی بر اصلی نیست و در صورت دوم
بصور تخلف ما ادعائی که وجود ندارد در دادگاه مطرح و عنوان ننماید در
صورت اول نیز آنچنانکه وجود داشته و در ارای مداریک لازم است
خواه ناخواه دارستان محترم دادگاه نیز به آن توجه نموده و در غمانه
در برمال فضاوت اینکه آیا در یک مورد ادعا صحیح یا ناصحیح است

مربوط به دارسان محترم بوده و دکلائی به دفع محترم بنامی ادعای خود را
بصورت یک رسمی یا جمله، بجزفوص دوام با کلمات و بیانیاتی که در پیشون
محکم نظای نیت عنوان نمائید مثلاً اگر بنده عرض میکنم ادعای دارسان
مکنی به دلیل و حدیث است از آن جهت است که بنا بخواهی پرونده و دکلائی
که از ناحیه ما همین عنوان نه آنان اعتراف به فعالیت ای ضد دولت در
چارچوب قانون اساسی نموده اند این ادعای این جانب نیست بلکه
آنچه این ادعا را تکمیل میکند اعتراف است دیگر ما هم ردیف بکم و دوام است
و همانطور که عرض کردم وجود یا عدم وجود دلایل در این پرونده در
لغو آن از لحاظ اعمال خلاف امنیت مملکت منوط به تضاد می است که
دارسان محترم خواهند فرمود، بنابراین دادستان دادگاه هیچگونه
عهادت و بعضی با کسی نه است و انتظار هم ندارد که دفاعیات دکلائی مدافع
و اصولاً مطالب بیان شده در دادگاه از محیط ادب و درستی و ملاحظت
خارج گردد، اینکه با عرض مراتب معروضه که تقریباً به صورت مفهومی مختصر
به عرض رسیده مختصری هم در قبالی بیانات دکلائی مدافع محترم اثر به
دفاع ما همی از پرونده انامی ما همین حاضر در دادگاه چند کلمه ای به منظور
ردی شدن ذهن دارسان محترم به عرض میرساند.

بالتوجه اینکه کسور ما در حال حاضر حساس ترین مراحل تاریخی و ویژه وقت و
مزمع را طی میکند و بالتوجه اینکه در وضع حاضر بزرگترین آماج و آرزوی

ملکه ایران که سالیان دراز شیفگان آزاری و استقلال و ترمیمی مملکت
 را به انتظار نگاه داشته بود در حال تکمیل و با تصویب قرارداد راجی نظیر
 قرارداد نائیس کارخانه ذوب آهن بر حرکتی در خلاف جهت این پیشرفت
 از بر تاحیه و به عنوان ظهور نمایه خود دلیل مخالفه و مخالفت از اجرای بزرگانه
 مترقیانه است که تحت رهبری شاهنشاه جوان نجات ماطراحی شده بکلی بعد از
 دیگری بوجود می آید، در این پرونده و پرونده های نظیر این پرونده صرف
 نظر از جزئیات مطلب آنی را که مورد توجه داد عالی است اعلمی است که
 برخلاف نائون و بمنظور مشوب نمودن اذ همان بوقوع پیوسته است،
 امروز هیچ فردی در این عینوا نه منکر و فایده ای که در این کشور بصورت
 ترقیات روز افزون و زرفرازی مدرن اجتماع و نه در این قوانین عام ^{المنفرد}
 شده است مگر در...

در محضر دادگاه مطالبی بوسیله بعضی از آقایان وکلای مدافع مطرح گردید
 که نه تنها بطریقی به موضوع پرونده نه است بلکه عبارت از مقدماتی تعارض
 و محاسن حزبی که منتهی در دفع بکم لیه آن بوده است، آنچه را که در گذشته
 در این مملکت رخ داده اجائی که به خاطر راجی نه تنها دردی از مردم و مملکت
 این مملکت روا نگردد بلکه خود باعث آن چنان بی ترتیبی و بی نظمی درج
 درج گردیده است که مردم ایران فاطره خوبی از آن نداشته و به ثبوت نیز
 رسیده که طبع آن اعمال و افعال مبتنی بر یک رشته مقاصد سیاسی و تأمین استازاتی

برای گردانندگان و سران جمعیت برای ظاهر آسپاسی آن زمان بوده است
من برای آنکه قطع کلام فتنه باشد گواینکه وظیفه حکام سبک‌دک در همان
موقع از ریاست محترم دادگاه عصر آتقا ضالتم که از ادای این نوع ^{مسئولیت} مباحث
و تدابیر جلوگیری گردد مخصوصاً فرصت دارم تا چنین مطلبی از طرف هر کار
وکیل مدافع شکفته و بازگردد من صراحتاً به عرض دادریان محترم می‌رسانم
که ملت ایران از آنکه حزب و حزب بازی سیاست و سیاست بازی
نه تنها طرفی به نفع مملکت نباشد بلکه هنوز هم خسران اعمال برخلاف قانون
و برخلاف ملت است آن دسته جات را تحلیل می‌نمایم.

امروز مردم واقعی ایران نشانه چیزی نیستند که تحت رهبری شاهنشاه با
برکت و در کمال دقت و با نهایت قدرت بطرف هدف وسیع نظامی
خود پیش می‌روند امروز مردم ایران نه تنها خاطر خودی از تنگ‌های خیابانی
و زنده باد و مرده باد می‌پوشد و قتل و غارت با اینکه اصولاً مبتنی بر جاد
های خصوصی و نامشروع استیلا است انفرادی بوده است نه از آنکه بلکه نسبت
به آن اعمال ابراز نفرت می‌نمایند.

در مورد مردم ردیف یکیم بالتوجه به سابقه و فعالیت برای ظاهر آسپاسی این
سیاسی ولی عملاً مغفرت بحال مملکت نیز صرف نظر از حواردی که در پیونده
امر علیه ما هم وجود دارد ایشان فردی نیستند شناخته شده که در حرکت و
حرکتی طبقه جوان این مملکت به نافرمانی و هرج و مرج به طولانی دارند

دختر بخانه یا به نختانه خداوند تزیه ایشان بیان رسا و نافذی مرحمت فرموده
که منافقانه بجای ارشاد و تلخیص مردم در طرق ثواب مبارک به حرکت
در تحریص آنان میکنند.

بنابر این بنا بر روی پیشگی از ورود در جزئیات و تکیه بر وی منفعات
کار خود داری نموده و ذهن دادرسان محترم دادگاه را به فعالیت ای مفره
ایشان جلب نموده و با توجه به سوابق و اعمال ارتکابی تقاضای کفر مقتضی را در
دیور همان ردیف ردیف دوم است که به نحوی از انحاء در اعمال خلاف قانون ^{بف} متهم
یکم سر یک بوده و همکاران دانسته اند نباید لائل کفر خواست تنظیم تقاضای کفری نماید
از وکلای مدافع محترم خصوصاً سرکار مرشد معتمد تقاضای کنیم که اولاً تابع
احاسات شده و از طرح مطالبی که ربطی بموضوع آنها ندارد خود داری
و چنانچه احاسات و احتراطات فائده ای نسبت به متهم ردیف یکم
دارند در خارج از محیط دادگاه بمنصه ظهور برسانند چه این بازگازیر
از تکرار کثرتی به سرکار ایشان خواست بود.

در مورد اینکه گفته شد چرا در ساعت غیر عادی مبارک به تقفیش منزل
نموده اند بطوری که سوابق امر نشان میدهد اینگونه افراد در اقتفاء خود
و اعمالشان تاسی زیر کسی را بکار میزنند و غیر از این ساعت و حوالی آن
ممنوعه که متهم در منزل حضور داشته باشد و اصولاً عمل نشان میدهد که آن
به تقفیش منزل در آن ساعت ضروری بنظر میسید است

دوباره صدر فراموش پیکر د از ناحیه باز پرس درباره متهم ردیف سوم هر کار
وکیل مدافع اسناد نمودند که یکی از دلائل بی گناهی موکل ایشان است ^{بسی}
به عرض برسانم اگر مقرر بود که طبع فراموشی صادره باز پرس ^{بسی} بدون ^{کو} خط
اظها نظر قضائی جنبه آزادی پیدا میکردند و نظر ایشان را به برگ روی
کپی فرستادند که باز پرس مجدداً فراموشیت صادر نموده جلب می نماید
متهم ردیف یکم اظها را داشته احترام به آرتش در نهادشان جا گرفته ولی
احترام به آرتش دلیل بی احترامی به سایر مقامات و اعمال و فعالیت ^ی
بر خلاف مصالح مملکت نمی باشد.

اگر چنانچه عمره ای از افران آرتش در ساداک مشغول انجام وظیفه
میتند برای آنست که در آن سازمان نیز از اذ تحصیل کرده و مؤمن
مشغول انجام وظیفه باشند و مثل اینکه منتظر میقتند که برای این مؤسسه کارخانه
یا مسئولین مخصوص تهیه و تربیت نمایند بطوریکه از خلال گفته های متهم
ردیف یکم بر می آید ایشان اذعان نموده اند که همواره در دولت ^ی
مختلف دارای فعالیت های خلاف مصلحت مملکت بوده اند و حتی
نسبت به این اعمال نیز با نظر افتخار و تحسین نگاه میکنند و اضافه میکنند که
بجای آنکه این اعمال و فعالیت های برخلاف مصالح مملکت در نهاد ^ی
باز داشت بوده اند، بنابراین ارجاعی ماهمچین است که ایشان به ^{نسبت} تمام
مضره خود همواره ادامه داده و برخلاف ادعای ایشان این فعالیت ^ی

نه در چهارچوب قانون است و نه بر مصلحت مملکت و آنچه که مسلم است بسیار
جرم است.

در مورد اینکه ادعای چه کسی در حین ارتکاب آنرا دیده یا چگونه عمل را باغداد
ماده ۶۹ انطباق داده اند، باستی به عرض برسانم که هر کسی به نحوی از انحاء
افه امی نماید و یا اتمه امانت دیگری را تسهیل کند اصولاً هر عملی که به نحوی از انحاء
در اینگونه موارد انجام گیرد نتیجه یکی است مثلاً منتهم ردیف دوم بانابرده
تشریک مساعی کرده و منتهم ردیف سوم در جبات کار را با همینه وسائل فراهم
نموده است که نتیجتاً آنچه را از اعمال نامبردگان ناسی شده می شود خواهد
شد جرم محسوب میگردد.

خاصه اینکه منتهم ردیف یکم در طی مراحل تحقیقاتی در خم فاین در محضر دادگاه
معترف است که همواره با دولت پای وقت مبارزه نموده نسبت به این
موضوع افتخار حقیقی نماید بنابراین آنگسی که ابواب این کار را فراهم میکند
جرم نیت، این اصل مسلم است هر کسی بخوابد دیگری را تبلیغ و تحریک کند یا نه
یا زبانی یا بوسیله نجش اوراق این کار را میکند.

منتهم ردیف دوم میگوید چرا در حین دستگیری هیچگونه آلات و ابزار
و مدارکی که دال بر مجرمیت باشد از من کشف نشده است، معنویان
معتزفه به عرض میرسانم کلیه افراد آن که در اینگونه موارد در محضر فضا
میکند همواره سعی می نمایند با خود مدعی نه است و چیزی که دلیل بر

مجلس آنان باره با خود حمل نمایند، مردم در صراحتاً بیان
نمودند که مبارزات ایشان با دولت در چهارچوب قانون اساسی
انجام گرفته با توجه به اینکه اصولاً دولت منتخب مجلس و نمایندگان
مجلس مردمی هستند که از اطراف و اکناف انتخاب و به مجلس اعزام
شده اند، صرف نظر از اینکه در لایحه مورد اعتماد نمایندگان محترم مجلس
نیاستند نمی توانند بکار و وظیفه خود ادامه دهند این دولت با ایستای
مورد تأیید بنندگان اعلی حضرت بهایون شاهنشاهی نیز باره عبارت
الاخری دولتی که مصدر کار است مورد احترام و ناستند شاهنشاهی
بنابر این مخالفت با دولتی که به موجب رای اکثریت مشغول خدمتگذاری
است در حقیقت مخالفت با شئون عالیه مملکت نیز است خاصه آنکه
همان چهارچوب قانون که ملتین به آن تکیه می کنند نمایندگان ملت
نیز بموجب همان قانون انتخاب شده و می شوند بنابراین اگر قانون
محرّم است با ایستای از جمیع جهات مورد احترام فراگیرند این در مورد
اعمال خلاف مصلحتی که متهمین انجام داده اند محرّم است و قابل قبول و
در مورد دولت که منتخب نمایندگان ملت است مورد تناقض است.
در مورد مردم در دفع سوء که ادعا می نماید به ملت ترس از ساداک
نا ۲۲ در فایلی خود را عرضی گفته و مآخوین را خواسته است از این طریق
منحرف نمایند با ایستای به عرض برسانم بنابه سؤال بسیار قدیمی و فوق العاده

نافذ آنرا که صاحب پاک است از بحال به چه پاک است اگر ایشان
از وضع خود در است هرگز مبارک به عملی که اصولاً دور از شأن یک
جوان در زشت کار است نمی نمود و اگر واقعاً تقصیری نه است و از زمان
مؤخره سید که تقصیری نه آید آیا باز در است او عوجی در است از این
قبلی پرونده با در دستگاه قضائی زیاد است افرادی بودند که نام آنها
چو و مهین بوده و تحت تعقیب قرار گرفته اند ولی مقامات قضائی
پس از اینکه اطمینان کافی حاصل نمودند که آن شخص گناهی نه در در
آزادی او را صادر نموده اند.

عرضی گفتن مشخصات دلیل بر سوء نیت وی و برای فرار از مجازات احتمالی
بوده است چنانچه سرکاران دلیل مدافع و آقایان مهین مطالب
جدیدی عنوان نفرمانده که مستلزم جوابگویی باشد ضمن اینکه نظریات
رابطه داده ۲۰۶ قانون دادرسی و کفر آرتشی جلب می نماید دیگر

عرضی نه ۲۰۲

جریان هشتمین جلسه

ساعت ده و پنجاه دقیقه بامه اردو ز شنبه بیت و چهارم مهر ماه هزار و سیصد و

چهل و چهار، هشتمین جلسه دادگاه عادی شماره دو آرتش رسمیت یافت.

پس از خواندن صورت جلسه بوسیله منشی، رئیس دادگاه خطاب به محترم ردیف

یکم گفت اگر مطلبی دارید بیان فرمائید.

آقای فردر گفت لایحه آخرین دفاع خود را نوشته ام که پس از خواندن به

منشی دادگاه میدهم ولی چونکنه بیت که به دن نوشته در باره آنها صحبت

میکم بهتر است فاصله آن نوشته شود.

در اینجا آقای فردر خواست راجع بآنچه رئیس در خلال جلسه برای

قبل دادگاه گفته بود سخن بگوید ولی رئیس کوسر ذکر آن حرفها در صورت

جلسه نوشته نشده است و آقای فردر هم گفت پس منم در باره آن

صحبت نخواهم کرد.

آقای فردر بخت بردگفته برای دارستان و بعد بآخرین دفاع

خود پرداخت

در ساعت دو و ده رئیس خواست اعلام شفص کند ولی آقای فردر گفت

از آخرین دفاع من چیزی نمانده و خواستار ادامه جلسه شده و بانوقت

رئیس دنباله صحبت فردر گرفت.

در ساعت دو و ده و بیست و سه دقیقه پس از پایان سخنان آقای فردر

جلسه بعنوان شفص تعطیل گردید و جلسه بعدی بر روز یکشنبه ساعت بیست و نیم بامداد

پیش از شروع به آخرین دفاع لازم است به سخنان دادستان ارجحه
دادگاه که به قول خودشان از لحاظ انجام وظیفه قانونی ایراد کرده
به کوتاهی پاسخ دهم.

چه خوب بود ایشان در انجام این وظیفه قانونی بجای تکرار
کلی گویهای کیفی خواست پیرامون فعالیتها کیفره و فعالیتها
گذشته نیز مکرر وارد بکه عقیده دارند من ایسایر مهمان بر همی بر یک
شده ایم بیپر داخند و همچنانکه هنگام ۲ ایراد نقص و نیز هنگام ۲ در کیفی
خواست یاد آورگی گردید اگر اعلایه بالطقی از من سراغ دارند که در آن
امحالی محاکمات پنهان یا آشکار تحریرین تسلیح شدن بر ضد حکومت نموده ۲
ارائه میدارند.

خوب بود میگفتند در فلان زمان نزد فلان کار را کرد که بموجب فلان
ماده قانون کیفری حکامی جرم است و باید مجازات شود. دادستان ارجحه
گفته «نبا بر روی عیشگی از ورود در جزئیات زکیمه بر روی منفردات کار خود را
نموده و ذهن دادریان محترم ۲ را بفعالیت برای منفردات ایشان جلب نموده
بالتوجه به سوابق و اعمال ارتكابی تقاضای کیفی مقتضی را دارد»

دادریان ارجحه این بطور تفصیح در باره منفرد نبودن این سوابق و
نیز در باره غیره و نیز بودن آنها از نظر قضائی صحیح کرده ۲ و باز تکرار
مکنز اعمال ارتكابی من بلیجود بر خلاف مآل من نبوده است تا بتوان آنها

عنوان بزه داد و ستزاد را کفر تلقی کرد، بهر حال دارشنان از جمله هیچگونه
دلیلی بر صحت بزه نسبت داده نشده نیاروند تا نیازی بپاسخ باشد و تنها بر
رفع تکلیف مطالبی کلامی ایراد کردند.

در این مطالب کلامی آنچه مربوط به ترقیات کشور است در آخرین دفاع پیش
و کم از آن سخن میگویم، آنچه را هم درباره وکلائی مدافع بود خود آقایان
باید گفته، آنچه را هم جنبه جمله دگوشه و کنایه بمن داشت بپاس روی شایسته
که در طول این دادرسی از خود نشان دادند بی پاسخ میگویم و تنها گوشزد میکنم
اینکه گفته بعضی افه امامت گذشته را اصولاً معنی بر حساب ای خصوصی و عامین
احتیازات افرادی بوده است، باید بگویم در این عملکت خیالی از سیادت
باهنای به بنال مسالهای خصوصی و احتیازات افرادی میروند، اما چه خوب
بود میگفتند من که بقول ایشان فردی شناخته شده، هر چه که ام حساب خصوصی
را داشته ام و از کدام احتیاز افرادی بهره برده ام. زنه آنها تا کامیابها امتیاز دیده ای
بوده است که من از سیادت داشته ام... این بی انصافی است که گفته شود
به بنال امتیاز از فردی میروند... اگر از من و یا از ام کسی نشانی از به بنال امتیاز
فردی رفتن داشت آچنان بون ز زانی در هر انون آن راهی انداخته
که برگزینم و استیم در برابر مردم سر بلیند کنیم. بهر حال فیانکه دارشنان از جمله
نقطه سیاهی در گذشته من و یا از ام سراغ دارند طرح نمائید.

اکنون که بمن فرصت داده شده تا بعنوان آخرین دفاع آنچه را برای روشن نمودن حقیقت سودمند است باز گویم در اثر رفتنای زمان باز پس رفته اند کسی پیرامون گذشته مبارزه ملی خود و آنچه بر ابد بنیال کردن سر ملخنانه این مبارزه داد البته است ملخنی میرا ام.

در پایان فلک دو جهانمی که کتاکشی آن سهین مبار ابدیس از پیش دستخوش آژنده یهای التما گران نمود و در آن هنگام که

سرود ایران پرشی نژائی نژاد است و از همه سولغمه جدائی جوئی ملبوسی میرسد و نیروهای باز آنده از جنبش مشروطیت نژدی تاب و لتان بودند که گروهی جوان پر شور گرد هم آمدند و در پای نژاد محمد شهر بود و از سید و بیت و نش سازمانی که چند کی بعد نام مکتب پان ایرانیم بجز گرفت بنیاد ندارند.

من نیز پس از مدت کوتاهی بادی آکنه از مهر ایران به داعبتگی آن در آمدم و زندگی خود را یکسره وقف پیش بردم و فهای ناسیونالیستی کردم.

این مکتب که بنا بر نیاز ملی ایرانیان در زمان گسست پدید آمده بود بگونه زنان و مردان ایران دیرینه سال را با خواسته های تاریخی خود آشنا سازد.

در این مکتب ایران را آنچه چنان که تاریخ بنیاد دارد می شناساند و نگردد

غبار زمان را از چهره فرهنگ ملی میزدودند.

هدف بزرگ مکتب پان ایرانیسم این بود که همه نیروهای نهفته ملت را بسیج کند و به نبرد ملی بگردد. برای بازگرداندن دورانیهای آزادی و آبادی این سرزمین آفت زده گسیل دارد.

در همین گیرودار نبرد با شبکه سنتهای ضد استعماری و ضد استبدادی انقلابی مشروطیت را به ایت برده بودند. نیز بهم نزدیک شده. جبهه ملی ایران را ساخته که تواخت با پرست آوردن پیروزمی در انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای طرح مبارزه ملی کردن صنعت نفت را بر سر و جنبشی بزرگ در سراسر کشور پدید آورد.

سازمان نو جنبیاد ما از همان آغاز کار با این جنبش ملی پیوست و در انجام پس از پیروزی آن در دردی کار آمدن دولت جناب آقای دکتر مصدق برای آنکه با سنگدگی نیازهای اجتماعی مردم باشد بصورت حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم در آمد و من به دبیری آن گمارده شد.

این حزب با تکیه به جهان بینی ناسیونالیستی و بهره برداری از احتیاجی که دولت وقت به آزادیهای فردی و اجتماعی میگذاشت نبرد ملی تواخت یا نگاه ملی میزدودند. در سراسر کشور پدید آمد و در وقت نقش برجسته

در بر آوردن آرماتهای ملی بجهت بگیرد.

دولتی که بایرکنار کردن خواب آقای دکتر مصدق روی کار آمد
برای آماده نمودن زمینہ انجام برنامه های زیان بخش خود حقوق
پیش بینی شده ملت در قانون اساسی و متمم آنرا نادیده گرفت و
با شدت سرکوبی همه نیروهای ملی پرداخت.

حزب مائزگناه سرکوت داشتن در جنبش ملی ایران و بیشتر برای
آنکه سدی در برابر افکارهای جدید نباشد به سختی مورد حمله قرار
گرفت، بارگاه حزب غارت و بسته شد، امتیاز روزنامه ارگان
حزب لغو گردید و دانشجویان حزب گاه فردی و گاه جمعی به
زندان کشیده شدند.

اما حزب ملت ایران، حزب فرمایشی و ساخته و پیردافته دیگران
که بیت و نیت آن بخوار است دولتهای وقت بستگی داشته باز نبود
و در برابر این قانون شکنیها باستادگی برخاست.

در اینجا بطور شفاف گفته شد: این دولتها بودند که با تجاوز به حقوق
ملت، ما را در برابر خود قرار دادند... گناه ما اینست که سر ساختنی
و یا بیاری کردیم... گناه ما اینست که رنگ عوض نکردیم... بیار
و کسانیکه بر روز رنگ عوض میکنند کجا ۳۳ ساختنی و ننگی کاری
ساخته نیت.

از این هنگام به بعد چون دولتها بیکدیگر یکی پس از دیگری روی کار
آمدند در دست اندازی به آزادیهای فردی و اجتماعی ملت دست کمی
از هم نداشتند، حزب مانا گزین در برابر همه آنها قرار گرفت و در پی از
مبارزه خستگی ناپذیر خود برای استقرار حکومت قانون بازنایستاد.
این دولتها سالها فرحاندارکی نظامی را بصورت یکی از ارگانهای مادی
کشور در آورده و سرانجام هم سازمان اطلاعات و امنیت
این دستگاه شوم پلیسی را جانشین آن ساختند و از این راه مردم
را آنگاه گرفته برهنه کشیدند و در دست کتبی و آزار قرار دادند و در پی
را بجهت آن تیر فرستادند.

در اینجا گفته شده سازمان اطلاعات و امنیت کشور از آغاز کارش
بر اساسی ضد ملی و خلاف روح قانون اساسی پدید آمده ...
این بگیرد به بندها، این کشت و کشتار را به پیروی از مبنای خلی
خوب میشود محکمت را راه کرده و در آنکه احتیاجی باین
نشانها باشد.

این دولتها با انجام انتخابات قلابی مجلسهای فرمایشی بوجود آورده
همه حزبهاد سازمانهای ملی را زیر فشار نهادند و از نشر روزنامه های
حق گو جلوه گویی نمودند.

همانها برای آن بودند که کسی پرده از کارهای غلط آنها برنگردد.

و بادل آسودگی بتوانند بر بلائی ملخو افند بر مردم این سرزمین بیاد
و زودت‌های ملی را به شکل کسود شخصی آنها ایجاد نمایند و صرف‌نشد
از آنجا که بررسی سرپای کارنامه سیاه این دولت‌ها در دادگاه کونی
میرینت، آنها نمونه بلخی چند از وضع ناهنجاری که برای اقتصاد
کشور پدید آورده اند با استفاده از آمار علمی نثریه برای رسمی ذکر میکنم.
آمار یعنی فن شناسائی و قرار دادن عدد در کنار یکدیگر و بعضی آرد
آنها در دانش امروزی بشر چنان جای ارزنده ای دارد که هیچ
کس را یارای تردید در درستی گفته برای آن نیست.

بررسی آمار نشان میدهد از آغاز سال ۱۳۴۳ تا پایان سال ۱۳۴۴ یعنی
در مدت یازده سال ز ساحه ای دولت‌ها تکیه مبارزه قانومی با آنها، انگاه
بزرگ مس شناخته اند جمع دریافت‌های ارزی کشور بیش از یک میلیارد و
دوازده میلیون دلار بوده است در آشنای بالفبای اقتصاد در خرد
با این رقم درشت گمان میکنم سرزمینی که چنین در آینه ارزی داشته
بایستی بهت برین شده باشد.

اما نگاه کوتاهی با آمار پرداخت‌های ارزی در همان مدت حکایت
دارد که چهار میلیارد و ششصد و نود و نه میلیون دلار یعنی بیش از دو
این زودت صرف داد است.

این رقم مبلغ گزافی زیادتر از برآیند ارزی در یافنی بابت در آینه

لغت، دامهای خارجی و کلمه‌های بدون عوض در این عبارت بسیار که بر
روز ۴۷ به ملیار دوازده و پنجاه و شش میلیون دلار میشود.

عبارت روشنی‌تر آنی را که در طی سالهای ناهمبوره، بیگانگان در برابر
غارت لغت این نژوت سرشار ملی و نیز بعنوان دام با بهره‌های ^{رنگین} نمر
و بعنوان کمک با آنکه حینت گزایانها و تحمیلها ی سیاسی به ایران
داده اند بصورت بها کی فر آورده و کالایس گرفته اند.

در سالهای قبل از سده یوزیزار و سده و بیست آمار بازار گامی خارجی
کشور را انداره ای برابری نشان میدهد ادوی با کتبه شدن جنگ
به خاک ایران این وضع هم خورد و نهاده سال ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲

۱۳۲۲ بود که در آن پیش گرفتن یک روش درست اقتصاد کی با وجود
در حیان نبودن دریافتهای از لغت آن برابری دوباره برآید.

نه و حتی در سال ۱۳۵۲ میزان صادرات بر واردات افزودنی استوار
کننده ای داشت و کی به بختانه دولتها بلکه از آن به بعد روی کار

آمدند با پیش گرفتن سیاست کهنه شده و استعمار پسند در دازه ای
از سبیل جنس های خارجی را به کشور سرازیر کردند بنحوی که در این

سالها میزان واردات همیشه چند برابر پیش از صادرات بوده است
و این وضع نه تنها مایه بر بار رفتن دریافتهای شگرف از زی شده بلکه

صفت نوسباید و نیز نیروی تولید کشا در زر کی و دامی کشور را دوچار

رقابت‌های خورده‌کننده کرده است.

از جنبه سال پیش گرداننده‌گان اقتصاد کشور بیش دکم افزایش کردند
که سیاست در دوازده ماهی باز غلط و زیان‌بار بوده است، با اینکه بار هم
دولت‌ها نتوانستند یا نخواستند در برابر قدرتهای استعماری و سرمایه‌داران
وابسته بآنها ایستادگی کنند چنانکه در سال ۱۳۴۳ در برابر چهل میلیارد
نشده و پنجاه میلیون ریال ارزش واردات بخش خصوصی و بخش ملیارد
و هفتصد و هشتاد و پنج میلیون ریال ارزش واردات بخش دولتی ارزش
صادرات کشور تنها بخش ملیارد و نشصه و هفتاد و پنج میلیون ریال بوده
یعنی فرودی به بیش از هفت برابر رسیده است.

در چهار ماه نخستین سال کنونی نیز بهای واردات کشور به مبلغ بیست و
دو میلیارد و دویست میلیون ریال رسیده در حالی که در ظرف همین سه
از سال گذشته بهای واردات مبلغ شانزده میلیارد و سیصد میلیون ریال
بوده است که بخش این دو رقم نشان می‌دهد میزان واردات سال کنونی
در یک زمان هم‌اندازه نزدیک به یک برابر و نیم سال گذشته بوده است.
ترکیب جنس‌های وارداتی نیز در ده سال گذشته خود دلیل دیگری بر
غلطکاری دولت‌هاست که با وجود داشتن اجازه قانونی برای کنترل و
سهمیه بندی این واردات بار هم گذشته اند فرآورده‌ها را بلکه با آنکه
سرمایه‌گذاری در خود ایران به سستی آمده یا کلاً محال شد که تجلی وزارت

میتواند سبب آسایش کشور و در کشور شود.

در اینجا برای نشان دادن چگونگی ترکیب واردات کشور با مقدار
بانک مرکزی و سفته نامه های اکتونومیت استفاده و بخشی از نوشته های آنها خوانده شد.
این آنها در زمینه بازرگانی خارجی نیست که دولت با سود دولت ایران را
نادیده گرفته اند بلکه در سایر زمینه های اقتصادی نیز وضع همین شکل است
از جمله میتوان بهره کمرشکن و ام های خارجی را ذکر کرد، این وام ها که
از آغاز سال ۱۳۲۲ تا پایان سال ۱۳۴۵ به مبلغ پنجاه و هفت میلیارد ریال
و سفته نامه های ریال رسیده با اینکه بهره کمی داشته و با این
پنجاه میلیون ریالی باز پس داده شده تاکنون بر روی هم مبلغ شش
میلیارد و شصت میلیون ریال یعنی نزدیک به یک ششم اصل به آنها بهره
تعلق گرفته و پرداخت گردیده است.

و میتوان بپول گزافی را که همه ساله بعنوان خدمات به کارشناسان
غیر ایرانی و محبت های مهندسی مشاور خارجی داده اند یا آدرس خبانکه
تنها در سال ۱۳۴۵ دو بنگاه دولتی یعنی سازمان برنامه و شرکت ملی
گفت در این زمینه یک میلیارد و شصت و هفتاد و دو میلیون ریال صرفه
ریال بصورت ارز پرداخت داشته اند.

شود و اینکه در کشور برای تهیه طرح و نقشه تلف می شود خود دارشان جداگانه
دارد و بهترین نمونه اسی هزینه هنگفت بر روی آنها کی چگونگی ایجاد صنعت

دوب آهن است که دارستان دادگاه از آن بگونه یکی از آرزوهای
در شرف انجام مردم یاد کردند.

ایجاد صنعت ذوب آهن برای یکی از خواسته‌های در برنده ملت ایران
بوده است که از چهل سال پیش دولت‌های وقت بیش و کم آنرا در
برنامه‌های کار خود گنجانده اند ولی با کار شکستی‌های استعمارگران در
خرابکاری و استیگان داخلی آنها هنوز بجای نرسیده

در اینجاست که برنامه دولت شاه در دوران مستوفی الجمالک در ۵ به راه ۵۳۳۸

در این مدت ملیون‌ها ریال صرف بررسی این کار شده و از جمله آنها در دوران
عکس برنامه هفت ساله دو میلیون ریال صرف و دو ملیون ریال در
هزار ریال به شرکت‌های مهندسی مشاور خارجی پرداخت گردیده است.
در اینجاست که ایراد بزرگ به همین بر باد دادن ثروت ملی است،
ما میتوانستیم با در آمد یک سال گذشته هفت یک کارخانه پالنده
هزار تنی بصورت نقدی خریداری و نصب کنیم.

اما در مورد موافقتنامه‌ای که تازگی پیرامون ایجاد صنعت ذوب آهن
میان ایران و روسیه بسته شده باید بگویم دارای شکل مناسبی است مدار

از دایره تبلیغات پیر سر صد اخرا تر رود و جامه عمل پیرنه گام ۲ از زنده‌ای
در راه صنعتی شدن کشور میباشد که مورد پشتیبانی هر چه این پرست

واقعی فرا خواهد گرفت.

رسانند با فنی نمیکنیم و از هر عمل مثبتی پشتیبانی میکنیم اما ناگفته نماند
که از هم اکنون در خرو سهائی در گفتار گرداننده گان چرخهای اقتصاد
کشور نمایان است از جمله آقای وزیر اقتصاد گفته ممکن است
در سالهای اول تحت آهنگ ساخت ایران از سیف واردات گرانتر باشد
... نمونه های غلط بودن نتیجه بررسیها و برابردادن سرمایه با زیاد است
از جمله کارخانه کود شیمیائی مرودشت نیز از حیث باشد...

نمونه دیگر از نادرسی سیاست اقتصادی کشور این است که بنابر آنچه آمارها
نشر دهنده اسکناس نشان نشان میدهد از آغاز سال ۱۳۴۴ تا پایان سال
۱۳۴۵ مبلغ شانزده میلیارد و دویست و شصت میلیون در پیشتصد هزار ریال بر
اسکناس در گردش اضافه شده که مبلغ یازده میلیارد و دویست و
شش میلیون در پیشتصد هزار ریال آن بصورت وام در اختیار دولت
قرار گرفته است و چون قسمت عمده آنرا دولتهای بدون برنامه و
صرف کارهای غیر تولیدی کرده اند شاخص هزینه زنده گی بنحویست
بردیالارفته و پنججاه درصد افزایش یافته است.

اینک با کوتاه کردن دامنه سلخن در این باره یاد آور میشود گیونگی
کارهای سیاسی و اجتماعی دولتها در سالهای نامبرده در زمان تباری است
کمی از کارهای اقتصادی شان نداشت.

در ضمن وضع حزب ملت ایران که برای آزادی و آبادی ایران

پایانسته بود نمیتوانست خاموش بماند و ناگزیر با همه اشک‌هایش که وجود
داشت مبارزه باز شد. مبارزهای دولتها را دنبال کرد و برای گسترش این
مبارزه همراه با حق بود که با همکاری چند حزب دیگر وعده‌ای از شخصیتها
سیاسی در تاریخ سی و یکم تیرماه ۱۳۲۹ ز. م. در جنبه ملی را بنیاد نهاد.
جنبه ملی با پیشینه درخشان تاریخ خود راه رهائی ایران را از چنگ
تاجها و ناساها استقرای حکومت قانون و بازگرداندن آزادیها
فردی و اجتماعی مردم شناخت و در این زمینه بگوشش پرداخت.
بعقبه جنبه ملی و حزب ملت ایران در کشوریکه قانون فرسایند
باشد و مردم اجازه آنها نظر و انتقاد داده شود و حزبهادر زمانه
آزادی عمل داشته باشند ممکن نیست دولتها بتوانند تا این اندازه در
فلا فکاری گستاخی بخرج دهند و در دستگاه اداری نمیتوانند تا این
حد دوچار فساد و نادرستی شود.

آزمایشهای تاریخی که در گونه و کنار همان انجام شده و میشود
بخوبی روشن کرده است پیشرفت هرگونه اصلاحات و بهتری
زندگی ملی در گرو وجود و احترام آزادیهای فردی و اجتماعی مردم است.
باز در دنیا نمیتوان شرایط زندگی ملی را در گرو ساخت تاریخ
نشان داده است وجود آزادی در میان ملتها چنان کار آیی و
نیروی برانگیزنده که در مدتی کوتاه نتوانسته اند همه در مانده گهای خود

راجبران نمایند و گامهای بلندی بسوی جلو بردارند
زمانه را اینکه بهانه انجام اصلاحات شیوه فله‌ری پیش گرفته و
بمردم کشور خود که حکمت‌زین آزادی عمده فتنه سلطنت برآه می‌روند
چه نیکو گفته است سقراط این دانشمند دانشمند آن به‌کسانکه در
راه آدگاه کشیده بودند در بجای بستن در همان دیگران بروند خود
را اصلاح کنند تا خود را انتقاد نیاسند.

به حال جای تردید نیست که مبارزه جبهه ملی و حزب ملت ایران که
من در آن شرکت داشته‌ام پیکاری آزادیخواهانه و همین پرستانه
در روزها نونها کی اساسی کشور می‌باشد.

و اگر من در فراز و نشیب این مبارزه بقول تنظیم کننده کفرخواست
بارها بعنوان فعالیت مفزیه بازداشت شده‌ام تنها به آن ملت
بوده است که دولت‌های وقت و دستگامهای پلیسی میخواستند
مرا از صحنه سیاسی کشور دور درنگه دارند و جلوی انجام وظیفه ملی
را بگیرند.

من در زمستان سال ۱۳۲۲ که انتخابات دوره هجدهم انجام میگرفت
جزو صدها ایرانی آزادیخواه با اسناد ماده پنجم فرمانها کی نظامی بار
بودم.

در بهار سال ۱۳۲۵ نیز در یک هم‌زمان با انجام انتخابات در دوره نوزدهم

بار دیگر گرفتار ماده پنجم فرسناداری نظامی شده و بزندان افتاد.
چند روز بعد در سال ۱۳۲۹ که نخستین انتخابات دوره بیستم شروع گردید
باز من در زندان بسر میبرد و با اینکه پس از بطردن آن آزاد
گردیدم چون از طرف جبهه ملی ناخردنمانه گویی تهران شده فاصله
کوتاهی بار دیگر دستگیر و از جریان دومین انتخابات این دوره
دور نگاه داشته شد.

تصمیم برگزاری انتخابات دوره بیست و یکم را نیز پس از فترتی
طولانی دستی گرفته که از همه تا پیش بازنده ای کردن سران جبهه ملی
و بگرفته کار برای غیر قانونی دیگر راه گزینش نمایندگان حقیقی ملت
را بسته بودند، ولی از هم این بازداشت را تا پایان مدت گرفتن
کارت انتخاباتی ادامه دادند و چند روز با خدرا ی هنگامیکه روشن
شد با تخیرم انتخابات از طرف پیروایان دینی دیگر ممکن نیست جبهه ملی بر
آن شرکت کند برای ظاهر سازی من و سایر دستگیر شده گان را آزاد کردند.

بدینگونه دیده میشود کمترین هدف دولتهای وقت از این بازداشتهای
هی رومی از میان بردن حق قانونی من برای شرکت در انتخابات
بوده است.

از دست کنونی نیز بهیچوجه در اثر وقوع پیوستن جرمی یا انجام کار
مخلاف قانونی از سوی جبهه ملی یا حزب ملت ایران نبوده بلکه آنها

برای جلوگیری از گسترش کوششهای سیاسی من صورت گرفته است.
کارگردانان سازمان اطلاعات و امنیت کشور چون مراتب به
نهادهای پنهان دانشگاه خود که بسیاری را از میدان مبارزه صلیبی
برده است بی اعتنا دیده اند. این پرونده سازی زدند و چون دراز
مدت زندانها با همه صحنهها پیش مرابز بومی تکمیل یافتند به ادستهای آرا
بیت نیز دادی خراب دادند.

در اینجا با استفاده از برگهای پرونده بطور شفاهی گفته شد در شان برگزیده
شده در کتیزخواست که در چون بعضی از احزاب و دستجات با طبع و نشر
اعلامیه برای مضره باعث تحریک از همان عمومی و تحریرین مردم با فلال
و امتناش را اندامات حاد علیه دولتهای وقت میشدند تا نورس
انتظامی در صد ریافتن تهیه کننده و حوزع و وسائل طبع و تکثیر این اوراق
برسی آئینه و سرانجام با دستگیری آقای احمدی و کشف ماشین پلی
در خانه ایشان و بازداشت آقای نمازی بهنگام ورود با این خانه
خبر بنظر میرسد که من دستور تهیه و توزیع این اعلامیه را داده ام
نتیجه گیری نادرستی از گزارشهای خلاف واقع ساک میانه
زیرا محضیات پرونده نشان میدهد مراد از اعلامیه های مورد بحث
نشریه پیام دانشجو میباشد و خود سازمان اطلاعات و امنیت کشور
بخوبی میدانند این نشریه ارگان سازمان دانشجویان جبهه صلیبی است

که از هنگام تجدید فعالیت جبهه ملی نشر مییافت و بعد از دستگیری من نیز
همچنان چاپ و پخش شده است و تاکنون چند صد تن از دانشجویان
دستگیر شده بعنوان آئینه توزیع کننده این نشریه مورد بازجویی
و تعقیب قرار گرفته اند و حتی یکی از آنها هم در این زمینه نامی از من
بعیان نیاورده است و بطور کلی من هیچگاه در جبهه ملی مسئولیتی
در امور مربوط به کمیته و سازمان دانشجویان نداشته ام تا مدت
بانهایم در دانشجویان وابسته بحزب نیز از هنگام تجدید سازمان
جبهه ملی در اختیار آن قرار داشته اند.

این برای من مایه افتخار است که مورد علاقه و توجه دانشجویان
مستقام و دانشجویان دانشگاه باشد از این جهت که فردی
بر اندازده محبوبیت داشته باشد بتواند بنام آنها نشریه ای
آئینه توزیع کند....

چنانکه گفته شد سازمان اطلاعات و امنیت کشور تصمیم راست
بر از صفحه سیاسی کشور به دور کند و برای انجام این منظور از بطن
به هندیه من پرداخت و از سوی دیگر تعقیب مرا در مورد پرونده
های قبلی از دادستانی آرشیو خواست، چنانکه در تاریخ ۱۵/۶/۴۳
در نامه ای که برگ ۴۰ پرونده شماره $\frac{۲۱۴۶۴۱}{۲۹۶۷}$ میباشد سادک
بیاز پس عنونه که پاسبورده شده به فعالیت میکند، پرا انجام کار
را اعلام کنید» ... شاید دادستان ارجمند بدانند این جمله فرحی است

که تنها در خوردگانی بکار برده میشود که باید در زنان بمانند و
در صورت نزد آمدن گاه فرستاده شوند.

دی چون از این در راه نتیجه فوری بدست نیاید یعنی نه کندید برای ^{ساز}
در من اثر کرد و نه باز پرس سعه هفت بنامه ذکر شده توجه نمود،
ناگردد دست بپرونده سازی جدیدی زرنده شاید هم ساراک با
اطلاع از اینکه شخصی یک پای کپی در اختیار دارد در ضمن ^{مخلص} بیان
باید از دانشجویان حزب است ایران دوست میانه این طحنه
را بر خود آورد.

جادار یاد آوریم که تصمیم به بازداشت من قبل از دستگیری آقای نمازی
در منزل دوستش و شاید هم پیش از دستگیری آقای احمدی اتخاذ شده بود و این
حقیقت با توجه به جریان دیدارهای من از سر فکر پاک کردن و اجازه
گرفتن از باز پرس برای سفر به اصفهان در موافقت و سپس مخالفت
ایشان که هیلونگی آنرا در بازجویی بیان داشته ام روشن میشود.

در اینجا بعضی از قسمت های نامه های رد و بدل شده میان باز پرس
سعه هفت و ساراک خوانده شد که همه بخوبی نشان میدهد
باز پرس مدارک را برای تحقیق کافی نمیدانسته و نمی ساراک
در نظر قبلی خود برای پرونده سازی و به ادگاه کشاندن
متهان امر داشته است.

باز پرس در برابر این همه پانشاری ناگزیر تسلیم می شود در هر صد در صد در
خرار مجرمت برمی آید ولی چون موضوع اتهام که داشته و طبع و بخش
اعلامیه ملی مفرده بوده بفرض ثبوت با ماده ۷۹ قانون کفر و کفایت
تطبیق داشته است که حد اکثر مجازات پیش بینی شده در آن
سه ماه حبس تأدیبی میباشد و تقاضای خیرین کفری برای کسانی که
تا تاریخ صد و خرار مجرمت ده ماه در زندان بسر برده بودند
مسخره می شود و از این گذشته موضوع این اتهام با نظری که باز پرس
در باره منع تعقیب ملام ردیف سوم داشته منتفی می شده است ناگزیر
در صد تطبیق اتهام با ماده دیگری از قانون کفر و کفایت برمی آید و
به چه دلیل ماده ۹۴ این قانون را که ناظر به خرین صریح اعلالی مملکت
به مسلح شدن بر ضد حکومت ملی، میباشد مورد توجه قرار می دهد.
باز پرس که تا چند بیفته قبل عصبه داده می برای اتهام بخش ادرا
مفره مدارک کافی وجود ندارد بطور یکباره باین نتیجه میرسد که با توجه
مجبوری است پرونده و تحقیقات معموله اعلالی مملکت به مسلح شدن خرین گفته اند
در اینجا باز آید در می آید که پرونده های قضیه شده به پرونده کنونی ۳۱،
چنانکه در قبل گفته شد به سختی دلیل است و بر دقایق آنها نیز
مرو زمان گذشته دکی از این دو باضافه پرونده سوم نافه باز پرس
و آخرین دفاع میباشد و بر روی هیچکدام هم باز پرس اظهار

نظر دارم به وقوع یا عدم وقوع جرم آن کرده است و ناگفته نماند که
من در خورد هر یک از این پرونده ها نیز عدت در رازی بازداشت
بدون جهت بوده ۰۲۱۰

الآن که روشن شد این پرونده از سوی سازمان اطلاعات امنیت
کشور بدون هیچ جهت قانونی تنها بخاطر عرصه های سیاسی ساخته شده
است و پس با فشار بیازیرس نظامی که ریل و سد رک کامی در آن
نمیده او را مجبور به صد در هزار جریمه کرده اند و بجهت عدم کفرخواستی
بدون کوچکترین اعتبار قضائی روی آن گذاشته و به ادگانه رتاده اند
چا دار در خاطر حفظ حق و عدالت دادستان ارجمند از محضوری که
بالتی کوشش مقدس سر بازاری است سرگرفته و بدون توجه به
خواست غیر قانونی ساداک رای به برائت من و سایر منتهان که
بدون دراز است از نعمت آزادی محروم شده ایم صادر نماند.

دادستان ارجمند شما بنا بر نص صریح قانون در اظهار عقیده مستقل
و آزاد حیبا شده می باشد با صد در رانی عادلانه نشان دهید در
کوشه و کنار این کشور هنوز می بینیم که به گلام انجام وظیفه بدون
بیم و امید مستوانند حق را از باطل جدا کنند.

شما بنا بر امرای همین برکت مستوانید با آسودگی و دستان رای به آزادی
من دهید زیرا با این رای شایسته به پیروزی راستی و درستی کمک کرده اید

دانش کی از فشار بیوده بیک حزب ناسیونالیستی که جز آزادی و آبادی ایران
هدفی ندارد کاسته است.

حزب ملت ایران همچنانکه از در اننامه آن بر می آید:
ملیخواه حکومتی بر پایه خواسته های تاریخی ایرانیان که اکنون دوچار پراکندگی
و جدائی هستند پدید آید.

ملیخواه کشور را با استقلال کامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برساند.
ملیخواه زنان و مردان ایرانی از همه آزادی های فردی و اجتماعی که شایسته
حیثیت ذاتی بشر است برخوردار باشد.

ملیخواه همه گواره تا گور پدید آورد و آنچه برای زادن، زمین، بهار،
بدر و آفتاب و آسمان و زمین را با همه استیلا و استبداد برانگیزان فراهم سازد.
ملیخواه برشالوده فرهنگ استانی و با بهره برداری از پیشرفت های دانش
بشری فرهنگی نو را که سزاوار ایرانی باشد پدید آید.

ملیخواه زمین و آب را در برابر کشور ملی کند و برانگیزان به پنهانان
و با بنیاد نهادن ینگاه های آفرینش و کمک روستائی این پر شمارترین
گروه اجتماعی را دارای یک زندگی آسوده سازد.

ملیخواه با ملی کردن کلیه وسیله های تولید جمع بهره کستی از کارگران
که از زنده ترین نیروی راننده ملی هستند پایان دهد.

ملیخواه با پیش گرفتن سیاست اقتصاد برنامه ای کشاورزی و صنعت

کشور را بار در سازد و ایران را از فرآوردده دکالای بیگانه بی نیاز سازد.
کمیته حزبی که دارای چنین برنامه ای برای پایداری و بی نیازگی تاریخی
و اجتماع ملت ایران می باشد وظیفه بر همین برست واقعی است.
من برای پیشرفت این حزب ناسیونالیستی در چهار گوشه ایران بار بار دست
یاری بسوی زنان و مردان بیهوش دراز کرده ام و اینک نیز از
سما افراشته بازمی شنویم در برابر رانده ام فرار داده است میخواهم
با برای شایسته خود بکشاده بالی فرسته راسی و آزادی کمیته
اینک که دامپین گفتار خود را پایان می دهد از صدای بزرگ میخواهم
که ایران را آزاد و آباد و از گزند نیروهای اهریمنی به دور دارد.

همان جادو دان و سرافراز
برشته در آدرجه رفته با باز
زمان توفیر روزای مهدرد
زین نو آباد ای همین من

جریان همین جلد

ساعت نه و یک چهارم با همه در روز یکشنبه بیت و پنجم مهر ماه هزار و سیصد و چهل و چهار، همین جلد دارگاه عادی شماره دو آرتش رسمیت یافت.

پس از خواندن صورت جلد بوسیله منشی رئیس دارگاه خطاب به منتم در لایحه دو فقره گفت چنانکه مطالبی در بیان نمایم.

آقای نمازی پس از دادن پانچ کوتاهی بگفته برای دادستان دادگاه که بالتوفیق وی روبروشه با خواندن بنیایش حزبی آخرین دفاع خود را شروع کرد.

رئیس دارگاه در یکجا سخنان آقای نمازی را قطع کرد و بایشان کوشید نمود که نماز - موضوع خارج می شود و از دکتر حصدق سخن میگویند، بهتر است بدفاع از خود بپردازید، آقای نمازی گفت من علت مبارزه خود را شرح میدهم و دنباله صحبتش را گرفت ولی بعد چند صبح از آخرین دفاع خود را خواند و ختم نمود.

پس از سخنان آقای نمازی رئیس دارگاه از منتم در لایحه دو فقره خواست اگر مطلبی دارد بگوید، آقای احمدی هم ملی چند جمله برائت و آزادی خود را خواستار شد.

پس هیئت دادرسان در ساعت نه و پنجاه دقیقه وارد شور گردیدند و در ساعت چهار و سی دقیقه شور آنها پایان یافت.

• و بار دیگر جمله دادگاه تشکیل شده و رای صادره در حالیکه در استان
و دارستان و مهتمان و عده‌ای از اشراف در وجه داران ننگیان
ابتیاده بودند بواسطه غنخی خوانده شده.

(در آغاز شور سرهنگ نوربخش کارمند عملی البهل دادگاه از اطمان
شور بیرون آمد در دیگر سرنگشت، دارستان نیز در آغاز و پایان
شور دو سه بار وارد اطمان شور گردید.)

(در پایان جمله آقای فرود هر خطاب به دارستان گفت تشکر میکنم
و در زیر رای تجدید نظر داد آقای نمازی هم بجهت دید نظر دادری آقای
امدی نوشت در مهلت قانونی اظهار نظر خواهم کرد.)

بعده دارستان گفته که رای با احتساب مدت بازداشت‌های گذشته
می باشد و آقای فرود هم جمله ای در این باره بر سر شرح تجدید نظر خواهی
شود و فرود و بار دیگر در ضمن رسم دادن با دارستان و دارستان
گفت در هر حال از رفتار آقایان تشکر دارم.)

(در این جمله و هنگام خواندن رای هیچیک از وکیلان مدافع حضور
نداشتند آنها در شروع شور بسیار سالم و سرهنگ بهره در بجا نگاه دادگاه
آمدند پس از گفتگو با آقای فرود آقای نمازی بازگشتند.)

دارنامه

دادگاه عمادی شماره دو منعقد در اداره دادرسی ارتش بریاست سرهنگ ستاد
مجدد آریانزاد و کارمندی افسران زیر: ۱- سرهنگ پیاده عبداله ایردانی.
۲- سرهنگ پیاده محمد حسن شهریارپور. ۳- سرهنگ پیاده محسن نوزنجش با حضور دادستان
دادگاه سرهنگ ستاد جلالی در تاریخ ۱۳۴۴/۷/۲۵ برای دادرسی در رسیدگی به پرونده

اتهامی به نوزنجش مشروح ۱- دایووسی نوزند صادر شهرت فرد هر ۲- بهرام نوزند عبدالحمید
شهرت نمازی. ۳- منوچهر نوزند ابراهیم شهرت احمدی که مستلزمات کامل نابودگان
در کفرخواست شماره ۸۶۸ تورخ ۱۶، ۵، ۴۴ مندرج است و به اتهام افهام برضه
امنیت داخلی مملکت تحت بگیری ایشنه تشکیل گردید کفرخواست
صادر حکایت که چون بعضی از احزاب و درجیات با طبع و نشر اعلامیه های
مفزه باعث تحریک از جهان عمومی و تحریک مردم به اختلال نظم و اغتشاش
و اقدامات خارجیه در دلتهای وقت میهنه ما مورسین انتظامی در صدد
یافتن انیه کننده و توزیع در سایل طبع و تکثیر این اوراق بری آینه
تا اینکه در تاریخ ۲۶، ۹، ۴۵ منزل متهم ردیف سوم (منوچهر احمدی) مورد رسد
ظن واقع در با حضور نماینده دادستان ارتش بوسیله سازمان
اطلاعات و امنیت کشور جستجو بازرسی رسته نقیبتا موفق به کشف
سائین پای پی و تعدادی مدارک مفزه دیگر میگرددند معارضه این
احوال متهم ردیف دوم (بهرام نمازی) که قصه درودیه

منزل مورد بحث را داشته بوسیله مآخوَرین در شکیه در ضمن
حقیقات معموله مدعی داشتن آشنائی ساده با منوچهر احمدی رنده
داز وجود ما شین پای یکی در منزل استیجاری منوچهر احمدی اظهار -
بی اطلاعی می نماید وی با مراجعه به سوابق و تحقیقات معموله و
اعتراف صریح وی به عضویت در حزب ملت ایران چنین بنظر
میرسد که اعلامیه پای مورد بحث بنا به دستور داریوس فردر (رئیس حزب
ملت ایران بر بنیاد بیان ایرانشیم که در دوره حکومت دکتر محمد مصدق
رنده اُبنفع وی فعالیت داشته و پس از قیام ملی ۲۸ مرداد ماه
سال ۱۳۳۲ نیز همچنان به فعالیت های حضوره خود ادامه داده که همین
ملک چنین بار از طرف فرمانداری نظامی سابق تهران بازداشت
رنده است) در منزل استیجاری احمدی با کمک بهرام نمازی تهیه
و توزیع گردیده است.

علیهذا متهم ردیف یکم (داریوس فردر) نیز در شکیه مورد بازجویی
قرار گرفته و بدون هیچگونه مشکله جهت رسیدگی به ادسنائی آرتش ارسال
و به شعبه ۷ بازپرسی ارجاع میگردد باز پرس مربوط پس از
انجام تحقیقات لازم باید در نظر گرفتن اوضاع و احوال و احتیاط
را مجرم تشخیص و بابت لصد و فرار مجرمیت می نماید که علیر

به صدور کتبی خواست فوق الذکر گردیده که در آن عمل جهتین را
منطبق با قسمت اخیر ماده ۶۹ قانون مجازات عمومی دانسته
و با استناد ماده مذکور تقاضای کتبی نموده اند پیرونده طی شماره
۶۴۹۴۶/۳۳۲۵۶/۷/۱۱ مورخه ۱۸/۵/۴۴ جهت رسیدگی
به دادگاه ارجاع.

این دادگاه پس از انجام کلیه تشریفات قانونی و تشکیل
جلسه حقیقه‌مانی جهت بررسی پرونده و جلسه دادرسی و استماع
دفاعیات وکلای مدافع و بیان است دادستان دادگاه
و آخرین دفاع وکلای مدافع و تعیین و اعلام حق جلسه دادرسی
در غیاب اصحاب دعوی به دستور پیرداخته با رعایت ماده
۳۹ قانون دادرسی کتبی آرشیبی شرح زیر صادر است
به صدور رای می نماید.

رای شماره ۱۴۴ مورخه ۲۵/۷/۴۴ دادگاه عادی شماره
دادگاه دادرسی آرشیبی

هشتم دادستان با بررسی محتویات پرونده و استماع
دفاعیات وکلای مدافع و بیان است دادستان دادگاه و آخرین
دفاع وکلای خود مستقیم و مدافع کامل در ادراقی پیرونده

به شرح زیر به صدور رای و بیان عقیده مبارکت منجمله خبانی
در گردش کار کثیر خواست نیز با استناد محنویات پرونده
ضد گردیده است.

نظر باینکه بعضی از اجزای اب و دستجات با طبع و نشر اعلامیه -
لمای مغز ه ماعت محرک از بان عمومی و محرک نفس مردم به اخلال
نظم و اعتدالش واقع اعات حاد علیه دولت های وقت هستند
مأثورین انتظامی ر صده ریافتن تهیه کننده و توزیع و سایر طبع
و تکثیر این اوراق بری آینه ها اینکه در تاریخ ۱۶/۶/۳۴ منزل
ماتم ردیف سوم منوچهر احمدی مورد سوءظن مأثورین انتظامی
واقع و با دستور نمائنده فائوسی دار نشان آرش بر وسیله سازمان
اطلاعات و امنیت کشور بازرسی و جستجو نه تنها موفق به
کتف مارتین اپی کیپی و مقداری مدارک مغز دیگر میگردد
و معارف این احوال ماتم ردیف دوم بهرام نمازی که نقشه
و در منزل خود رجعت را داشته بر وسیله مأثورین دستگیر
در ضمن تحقیقات معموله مدعی داشتن آشنائی ساده با منوچهر
احمدی شده و با وجود مارتین اپی کیپی در منزل استیجاری منوچهر احمدی
اطهار بی اطلاعی می نمایند ولی با مراجعه به سوابق تابعه و تحقیقات

معمولاً و اعتراف صریح وی جنبی بر عصرت در حزب ملت ایران چنین
معلوم میگردد که اعلامیه ای خود در بحث بنابه سوز حاتم ردیف یکم در ایوس
فرد هر (رهبر حزب ملت ایران بر بنیاد پان ابراهیم که در دوره حکومت گذشته
مصدق نه به اینفع وی فعالیت داشته و پس از قیام ملی ۲۸ مرداد سال
۱۳۲۲ تاکنون همچنان به فعالیت های محضره خود ادامه داده که همین
ملت جنبی را از طرف مقامات انتظامی بازداشت گردیده است) در
منزل استیجاری متهم ردیف سوم منوچهر احمدی با کمک متهم ردیف
سوم بهرام نمازی تهیه و توزیع گردیده است.

از طرف دیگر با عنایت با اعتراف صریح هر سه نفر همین در محضره دارگاه
جنبی بر اینکه متهمان ردیف ۲ و ۳ با محمد یگر چنان روابط صمیمانه در
ناگستی داشته اند که منوچهر احمدی کلبه منزل خود را در اختیار

بهرام نمازی گذاشته است و با بررسی اظهارات صریح متهم ردیف دوم
در مورد متهم ردیف یکم جنبی بر اینکه او یعنی بهرام نمازی به ملت
عصرت در حزب ملت ایران علاقه شدید و عنونی غیر قابل وصفی
به داریوس فرد هر داشته و در نتیجه این علاقه یک ارتباط
دائمی و چسبندگی بین هر سه نفر برقرار بوده است. اگر چه ممکن
است متهم ردیف سوم (بنیاد دعای خود س) واقعاً آشنائی
کامل و حضوری با داریوس فرد هر نداشته باشد ولی با به پذیرفت این

پیوستگی وسیله مهم ردیف دوم که بعنوان رابط انجام وظیفه مکرره
است بر جود آمده که منجر به استقرار مائین پای کبی در منزل مهم
ردیف سوم و بالتکلیف منتهی به چاپ اوراق حضرت موصوف گردیده است
منوچهر احمدی چه در مراحل تحقیق وجه در حضرت دادگاه اعتراف نموده است
که از ارزش واقعی مائین پای کبی بهیچوجه اطلاع نداشته و آنرا بمنظور
انتفاع از ماباه التفادیت قیمت امتیاع نموده است بدین است این
ادعای وی بهیچوجه نمیتواند مورد قبول محسنت دادستان و آنرا گردیده
شخصی که از قیمت کامل اطلاع نداشته باشد (مخصوصاً فردی که در آینه
ماهنامه وی از یکبار و بیشتره رمال بجاوزینیت در صورتیکه نیاباظهار
خودش آنرا بهیچجه از دیالفسه رمال خریداری نموده) بهیچوجه مبارزه
خرید چنین جنسی نمی نماید و انگهی دیده نشده است که دستفروشها
به خرید و فروش مائین پای کبی بنمانند و عیب این گونه اجناس در
مراکز مخصوص و بیست اشخاص معین خرید و فروش میشود و اینله نمونه
احمدی عنوان سفایه که من مائین پای کبی را از یکفروش خریداری
نمودم نیز مورد است دادستان وسیله بهیچوجه با همراه کردن
مأثورین تحقیق حقیقی را که روشن نه آن کیف جرایم آنرا
سفایه لیمان کند چه هرگاه فروشنده این مائین معلوم و مشخص
شود بطور قطع تعیین خواهد کردیکه مائین و در بحث بر وسیله بهیچوجه

خریداری در اختیار دگر گذارده شده است. نکته قابل ملاحظه اینکه
بایستی عنوان شود این است که بهرام غازی بجز ورود بمنزل خنویه
احمدی (در روز دستگیری) هنگامیکه حضور چند نفر استیخاص فیروز را بمنزل
دوستان (خنویه احمدی) احساس تنهایی مبارک بفرار نموده که نتیجه
پوششهای مأمورین دستگیر و جلب می شود در صورتیکه هرگاه بهرام غازی
در اظهارات خود صادق بود و داعیه ای نه است در انور (مجنون)
بعوض فرار میبایستی بدون رنگ در مقام تحقیق برآمده و
استیخاص ناشناسی را که شاید منظور سرفقت و یا نظر خاصی در منزل
دوست صمیمی آورنده بودند بمأمورین انتظامی معرفی نماید بنابراین
نخوه درود بهرام غازی در ساعده در حدود ۳ بجای ظهر که در فصل ^{بستان}
هنگام استراحت میباشد بطور پنهانی بمنزل استیجاری خنویه احمدی
دطرز فرار عجلان وکی خود متوجه این جریان است که ناچاره از
وجود ما استیجاری در همان منزل متحفظه بوده و بکای انجام کارهای
مربوط بآن در غیر ساعده عادی و یا در منزل بکار خود رفته و
هنگامیکه وضع را غیر عادی می بیند برای فرار از محازات و کفر
اعمال بفرط استیخاصی عمل می خود که همان نخوکی که در پرونده ^{متغلی}
دخونیز معترف بآن می باشد فرار را سر قرار از جلیح سیده هه بجلاوه
ببررسی لواحق دفاعی و اظهارات شفاهی متهمان در دفع روز

مخصوصاً در لف یکم در محفزه دارگاه، معلوم شد که در در حال
حاضر نیز همان در لف یکم (دایره کس فرود) در عقیده و مسلک سابق
خود که همان طرفه ای از نخت وزیر مغزول و محلول است سابق باشد
بامی در فرار آورده و با پیش کشته ن مطالبی در محفزه دارگاه
تلاش بجای به لف و تجیه وی برخاسته و بالعکس با ذکر اقامی از
عوائذ از زک کسور یا کلوگای احداث کارخانه کود سیمیائی بود
وزیران این مؤسسه وضع موجود کسور را که هر کفله بصورتی
و تعالی پیش سرور دارونه جلوه گری ساخته و حقایق را عنبر از
آنچه که بهت و انحرافی نماید، چه بفرض محال هر گاه قبول کنیم ادعا
وی در بعضی موارد معزول به حقیقت باشد اولاً این موضوع ارتباطی به
جریان داری الهامی که در این دارگاه مورد داری فرار گرفته ندارد
در نانی باختصر لوجه به ترقیات سنگرمی که در کلیه شئون است ملی مایه بود
آنها است لجت در یک مورد بخصوص هیچگونه موردی نخر اهر است
زیرا آنچه که بر سر زمین پرت دشا هر دست ایرانی مسلم و محرز است
این حقیقت با زرمی باشد که وطن عزیز ما تحت هدایت در همی
مقام شایخ سلطنت روز روز گامها که جنبه کی بسوی ترقی و تعالی برداشته
در آینده نزدیک از نگاه کج این اقدامات همین پرستانه فرد فرج است
استفیض و برخوردار خواهند گردید. انک برای محبت دارسان

دادگاه و مخصوصاً با بررسی اظهارات مهمین مخصوصاً مهمان ردیف
یکم و دوم کاملاً مسجل و روشن گردیده که بر سه نفر مهمین حاضر نموجی
از انحاء در طبع و نشر اعلامیه ای مفرده که باعث تحریک از بان عمومی
و تحریک مردم به افلال نظم و اعتدال و اندامات حاد علیه
دولتهای وقت دست داشته و در نتیجه این اعمال و کردار بوده است
که رفتار آنان توجه ما مورسین احتیجی کشور را بسوی خود جلب و
مغریه باز داشت و تسلیمشان بمقامات قضائی گردیده است یک
مخبر توجه بمقامات اعلامیه ای که از طرف دبیرخانه حزب ملت ایران در
تاریخ ۱۴۰۴ ماه جاری بعد از تشکیل جلسات دادری این دادگاه
منتظر گردیده است و در برگ ۱۶۰ پیونده مضبوط بسیاره تجزیه و تشابه
مفاد اعلامیه زبور را با اظهارات مهمین در همین دادگاه می توان
به برای العین مشاهده نمود من باب مثال خنده جمله از اعلامیه زبور را
که از طرف حزب وابسته به متهم ردیف یکم خنثی گردیده است در ذیل
فهرستی نمایه حکومت مستبد و ضد ملی برای اینکه هم روزنه پای امید و آزادی
را بر روی ملت ایران بیند در خنده یکبار بساط یک محاکمه مسخره را
میگذرد تا با ایجاد ترس در وحشت دیگر به روان را از ادامه راه هفت
ملی باز بدارد این بار دایوسن فردی بی پای منزه محاکمه گشته میشود تا
در دادگاه در رسته نظامی محاکمه گردد و در هر مبارزه دلیری که از آغاز

سابقه ایشان با هفت علی همگام بوده و با سرمنشی در راه به هم رسانیده
آرمانهای بزرگ دکتر مصدق پیشوای عالیقدر ملت ایران گشته
است... (الی آخر) و همچنین با توجه به بارک و اعلا حیه ای مضره ای
که از دفتر کار مقام ردیف یکم (داریوش فردر) و از منزل استیجاری مقام
ردیف دوم (منوچهر احمدی) به دست آمده و خلاصه گزارشات سازمان
اطلاعات و امنیت کشور در مورد هر یک از سه نفر ملاحظه کنید که در پرونده
انفرادی و البته آنان مضبوط است و با عنایت سایر دلائل و قرائن
موجود در پرونده بزه انتسابی (افند ۲۱ بر ضد امنیت داخلی مملکت)
و ماده استنادی داشتن را در کفخواست (قسمت اخیر ماده ۶۹
قانون مجازات عمومی) بهره نغز ملاحظه کنید ثابت و وارد است و نظر
بمیزان فعالیت و نحوه عمل و قدرت فعاله هر یک از آنان به اتفاق
آراء بیشتر از ربع معین کفخواست مجازات می نماید.

الف: در مورد مقام ردیف یکم داریوش فردر فرزند صادق شهرد فردر
۳۷ ساله شناسنامه ۱۸ صادره از اصفهان شغل وکیل دادگستری ساکن
تهران پارس خیابان جم شماره ۴۷ ره سال حبس تأدیه با اکتساب
مدت بازداشتهای قبلی.

ب: در مورد مقام ردیف دوم بهرام فرزند عبدالحججه شهرد نمازک ۲۸ ساله
شناسنامه شماره ۲۲۲۵۴ صادره بو شهر ساکن تهران خیابان خورشید جنوبی
روبرو بیمارستان لولاگر شماره ۸۱۴ پانزده ماه حبس تأدیه با اکتساب

مدت بازداشت‌های قبلی

ب: در مورد مهتم ردیف سوم منوچهر فرزند ابراهیم شهردار احمدی متولد
۱۳۱۸ دارنده شناسنامه شماره ۵۱۷ صادره از تهران شغل سرچی کشتی‌ساز
تهران خیابان شهناز سردر و قلو کوچه رضائی کاسی ۳۲ کیل حسین
نادیمی با اکتساب مدت بازداشت قبلی. منطبقاً با ماده ۱۷ قانون
دادرسی کیفر آرتش باستی ماشین پلیس ضبط شده است مقرر مکسوفه
بعداً گردد.

این رای در محضر دادگاه با حضور اصحاب دعوی قرائت و تذکر
داره شد ضابطه برای صادره اعتراض دایمی نتوانند در ظرف مدت
پنج روز بعد از روز اعلام رای تقاضای تجدید نظر نمایند.

رئیس دادگاه عمادی شماره دو اداره دادرسی آرتش: سرهنگ
شاد محمود آریا نژاد.

داریان: ۱- سرهنگ پیاده عبد الله ایروانی. ۲- سرهنگ پیاده
محمد حسن شهیارپور.

اظہار نظر رائی کہ در زیر رای دادگاہ عادی شماره دواداره داری آرشی
از سوی مہمان و دادستان آرشی شده است

مہتمم ردیف یکم: با اینکه با احتساب مدت بازداشتہای گذشتہ مدت زندان
پایان یافته است از رای صادرہ درخواست تجدید نظر دارم.

مہتمم ردیف دوم: از رای صادرہ درخواست تجدید نظر نمایم.

مہتمم ردیف سوم: در مہلت قانونی اظہار نظر خواہم کرد.

پس اضافه شدہ است «اگر تیمار دادستان محترم
آرشی اعتراضی نقرمانندہ بنہہ اعتراضی نہ دارم»

دادستان آرشی: نسبت بہ رای صادرہ از لحاظ مہمان ردیف
۳ و ۴ بہ علت خفت مجازات اعتراضی و نتیجتاً پروندہ بمنظور رسیدگی
بہ اعتراض طرفین بہ دادگاہ تجدید نظر احالہ شود

۴۹، ۷، ۴۴ دادستان آرشی